

ترجمه کتاب مستطاب

«تاریخ ایران»



تألیف

جناب . مشرف و ستر امریکائی

در دوره ریاست ۱۰ داری

دو نایه ایران

* تمهید *



انتیاق عامه با اطلاع وقایع جدیده ایران و در جوامع آستان از من نگارتن و وقایع عربیه و غیره را که منخ انفصال من از خدمت خزانه داری ایران در ماه ربیع الثانی ۱۹۱۲ شده . تا جائیکه در خاطر دارم . سبب اصلی و علت عالی تصیف این کتاب گردید :

وقایع و مندرجات ذیل از داخل و مجاری بسیار مسدود موقتیه تحصیل شده . و باد انتهای روز نامه (دفتر بعلی) خود که در مدت اقامت در ایران نوشته ام آب را نکین می نماید * و در بعضی توضیحات و اشارات تاریخی که زای تکمیل تمهید و وقایع مروده لازم بود با اهتمام تشریحاتی که اظهار آن را مناسب دانسته ام . آن افروده شده است *

بسیار متأسفم که از انجام دادن آن کار عام الموعود بهسبب در آن مملکت قدیمی محروم شدم . اینک تا نصف و تلخکاییکه در وقت حرکت از آنجا در ذیل داشتم . اکنون بکلی رفع شده است . آن پذیرائی صمیمی نمایانیکه در قریه گذشته هنگام ورود به لندن از من بعمل آمد و بی احتراماتی که از طرف حرائد امریکا و هموطنان عزیزم بطور بیوسنه زحمات و متنبهتیرا که در دو ماهه آخر اقامت در طهران متحمل شده بودم تسلی جبران و از خاطر منوع نمود که اکنون از آن امیدواری اثری باقی نیست *

* نامه دبیر و مضمون نگاری مثل مکالی (Macaulay) با علم و بی محوری . اندر فرستادگی (Fevstchagin) لازمست که شرح و نقشه این بردهای سریع الحرفته را که مشتمل بر ابعث انحطاط و انقراض آن ملت قدیم شده است . نگارش و تزیین نماید . یعنی دهها و زینگیاییکه آن دولت مدبر و پوی علی المقادیر و در تمدن و صداقت و شرافت و در حقیقت بمکاری و قانون نازی بایش داد . بلکه یکی از آن دو دولت رای جدول مقاصد بولتیکی خویش و ما بوس نمودن ایرانیان از تجدید حیات خود از تکلیف مطامع بسیار و حسیانه هم خود داری نکرد :

این کتاب در اصل و لغوی و حقیقی انسانیت و بهترین روابط بین المللی مقتضی و مستلزم آنست
 « در پیش موازین حقیقت واقع را بیان کردم - لیکن و فایده که عنریب ذکر خواهد شد -
 این ملاحظه که در موازین دیگر مورد اعتراض و تمسید واقع شود - بدان صراحت
 که شایسته بود - نگاشته ام *

این خرابیها و تباهی سلطنت شاهنشاهی ایران ، اگر توجیه احصایات عالم تمدن را
 محبت باین خصایل غارت گری بین المللی که فاش شده و نموده هولتیک ۱۹۱۱ عالم است فی الجمله
 مختلف نژاد سازد ، زندگانی و کشمکش با جد و جهد و به بعضی تغییرات و خوبیهای
 فروخته خواهان ایران حالیه ، تا باید بکلی بدر و فته باشد *

بعضی شقوق منهدده مخصوصه در نوشتن حالات جدیده بولتیکي ايران من باشد که فی
الجملة توفیحهش لازمست *

امر اول اینست که معاملات بولتیکي ايران که بواسطه برایشانی و بد بختی مایونها مردم
بیگناه است ، مثل بک نیاز بسیار منظم خوبی صورت پذیر میشود بلکه شنیده ام که
بعضی آن معاملات بولتیکي را به (ایرابونه) (Operabouffe) یعنی تیاز مسخره آمیز ، تشبیه
نموده اند : هارین این کتاب خواهند دید که همان اشخاص قدیمی که بدست بنیادسپهای
مختلف ای در پی در نمایشگاه آن نیاز آمده و پس از نشان دادن مرد ، مخفتری مراجعت
می نمایند ، مثلاً بک دفعه مجلس لباس وزیر شاه پرست شده و مرتبه دیگر به کسوت وطن
رستان معروف جاوه ، و کاینه های موهوبست که هر در بی تشکیل و بسرعت نام منحل
میشود : و مردمانیکه در مجامع ملی و مجالس قومن دارای مقامات عالیه میباشند در ظرف
یکروز بلکه بک ساعات بخصیض گهنائی و محویت تنزل نموده ، همینکه گردش بی بابان
انتریکها آنها را محبوب انقلاب عامه می سازد ، بالذات فرصتی دو مرتبه باوج ارقی حدود
دیگند : هم اشخاصیکه از طبقه صاحب منصبان و مأمورین دوائی میباشند از همین طراز
در حین نمونه اند که پیشدوستغلشان منحصر بهعین رویه میباشند ، و قطعاً در ایران این صنف
از مردم بالعبه به سایرین امتیازی دارند : حقیقه در همین چند ساله اخیره ، این امره
که کسایکه از طبقه متوسط و بی لقبند ، می توانند بهر شکل رسمی مأمور شوند ، جایز و
ممکن اتوقع شده است * نصب و امید و آرزوهای مایونها رعایای آرام بی مداد غالب
مور موقوف است بمساک و میال همان صاحب منصبان کاینه ، با مأمورین و حکام و یا
جسایه ای از پیش خود (حالی) که در هر آن هر طریق و مسلکی که میخواهند اختیار
کنند ، این امر را همه باید منتظر بود که دستمای قبلی از مأمورین در پی سایر

همه اجزای متصنّفان و لایزاله گان ، همانان منحصر به متمول گردانین خود و دوستان خود بوده است * از این بان ، اعمال و اعمال عجیبه ، این طبقه محترمین ایران قدری واحترام میگردد * بیجهت صحت تاریخ معرات کمال ، در باره شرفانیت و اغراض اینگونه از مردم که اقدامات و اغراض شخصیشان در وقایع جدید ، هواییکی ایران تا درجه دخالت کرده و راه یافته ، نیاز است * يك امر دیگر که برای بی اطلاعان ، خصوصاً اجانب بسیار اشکال و بیفیدگی دارد ، امیاء و القاب است ، محوم ایرانیان فقط دارای اسمی میباشد ، لکن از مأمورین بسیار ، کسی را سرخ دارم که لقب نداشته باشد ، نه ندانستن و نشناختن لقب شخصی امر آسانی نیست که بدوالت اغراض از آن نباید ، چرا که باعث رنجششان خواهد شد ، مثلاً شخص لغزنی در خدمت دولتی امریکا باشد و از پیش خود خود را « سیسآلار سیسآلاران » یا « ستاز لردوند » یا « اقبال الدوله » بخواند * و بعد از اختیار همه لقبی و تحصیل خرداییکه تصدیق آن لقب را بکنند ، اسم اولی خود را ترك کرده و بعد از آن بان القاب شناخته شوند برای اجانب رخاوجیها بسیار ، شکاست که آن القاب را یاد گرفته و بیاموزند ، خصوصاً که کبرآنها یکی از چهار کلمه ، ملوک ، دولت ، سلطنت ، سلطان ، ختم میشود *

نایب السلطنه ، حایله اول ، لقب ناصرالملکی مشهور بود ، لکن بعد از آنکه بمقام نیابت سلطنت رسید ، لقب بلقب نایب السلطنه ، یعنی نائب پادشاه شد *

يك اشکال دیگر برای ما دانستن حروف ترجمی آن اسامی و القاب و تبدیل آن بحروف اروپاییست که مردم غالباً آنها را مخافت نوشته و از اینجهت مختلف تلفظ میشوند ، . . . *

(مصنف بعضی توحید و نظائر برای اثبات مسئله فوق نوشته است که دانسان آن برای ایرانیان اوطیح واضح خواهد بود ، اینجهت صرف نظر از ترجمه آن است - مترجم *)

اکثر فارین محترم از تاریخ قدیم ایران بیشتر واقف و مطلع میباشد ، تاوقایه که جدیداً در آن ، لکت عمیبه بظهور بیومند * ، مقصودم بیان حالات تاریخی ایران نیست ، مگر و جیزده لغزنی که ذیلاً نگاشتمی مود ، معلق بر وقعات انقلابیه ایران که منتهی شد به تشکیل خط مسروته در عهد سلطنت مظفرالدین شاه ، نهم آوت ۱۹۰۶ (جمادی الثانیه ۱۳۱۱) واقعات بودییکه در این کتاب درج شده ، تازه ترین وقایع است که خود من بعد در تحصیل آنها سعی و کوشش بسیار نموده ام ، « مفید تر واقع نمود *

مبادت ، مبارزاتی که افرس گان ، راجع ، دولت و غرضی ، المراجعت ازین از امور نون خود بدست دار ، منبع رفته ، من و سروریت ، که علماء اسلام در خصوص اسماعان

دخانیات اعلان کرده و مردم فوراً آن‌ها را امتثال و بجزی دانستند * در صورتیکه از سنه ۱۸۹۱ م (۱۳۰۸ هـ) آن امتیاز حقیقتاً و رسماً جاری و معمول شده بود * سال قبل از آن ناصرالدین شاه فاجار امتیاز انحصار خرید و فروش نام تمباکو و توتونهای ایران را بکسانی انگلیسی در لندن داد، سرمایه این کسانی با هیئت شرکاء ششصد و هجده هزار لیره انگلیسی بود، امید و احتمال قوی میرفت که منفعت و عایدات سالانه آن انحصار بالغ بر پانصد هزار لیره بشود، بوجب آن قرار داد ربع آن منافع سهم دولت ایران بود، چه خود شاه و چه وزراء و اهلی در بار *

تا آنکه ایرانیان بیکه مدتها ستم کشیده و دوچار شکایت، استبداد بودند، از این فروغین کبیده حقوق و منافع و منایعشان عاجز و بی‌تک آمده، در دسامبر ۱۸۹۱ (جمادی الاولی ۱۳۰۹) بجهت امتثال و اجراء احکام شرعیه، جمیع دکانهای تمباکو و توتون فروشی خود را بسته و باب معاملات را مسدود و قلیانهای خود را شکسته و پاک‌کار گذاشته و چندان اثر استعمال نمودند، در مدت قلی حیرت انگیزی استعمال تمباکو و دخانیات وانفا و حقیقتاً بکلی موقوف و متروک گردید، این شورش با پند درجه خانم و موقوف شد، تا آنکه شاه مجبوراً امتیاز معوده را بعد از قبول کردن و دادن منسوخ نمود * دولت ایران معادل دانهصد هزار لیره بعنوان توان و خسارت بسود صدی شش قرض نموده بکسانی انگلیسی مزبور رد نمود * فائده و سود بیکه از آن امتیاز چهارانه غاصبانه عایدت گردید، معادل سی هزار لیره خسارت سالانه سود آن قرضه بود، که بنده ایسمت بد بیخت قرار گرفت *

ناصرالدین شاه بیستم صاعبر ۱۸۴۸ (بیست و یکم شوال ۱۲۶۴) بیخت سلطنت جلوس و در اول ۱۸۹۶ م (هفدهم شوال ۱۳۱۳) بعد از تقریباً سلطنت هجده سال بگلوله شخص مذهبی معصومی، میرزا محمد رضا نام کرمانی کشته شد، اگرچه مقصود حقیقی او معلوم نشد که چه بوده است، ولی غرضش، تعاقب و ارتباط نامی بد این عقیده عمومی داشت، که حقوق ایرانیان را بسرعت نام بخارجها و اجانب میفر و خندد *

مظفرالدین شاه فاجار که در آذربایجان زاده بود، هشتم زون ۱۸۹۶ (بیست و نهم ذیحجه ۱۳۱۳) بیخت سلطنت جلوس و الاحبارم و ابویه ۱۹۰۷ (هفدهم ذیحجه ۱۳۲۴) سلطنت و در همان سال فوت نمود، تقریباً شش ماه قبل از فوتش که عدم رضایت ایران بواسطه مظالم اسلامیستان به سر می‌راید یا بیست و بنای شورش و بلوی، تحریکات علنی را برای تحریک و شورش طوت گذارد، در رویه ۱۹۰۶ (جمادی اولی ۱۳۲۴) بدست ایران که

عجیب و هم موصل بقصود بود ، کامیاب و مائل گردیدند *

بعد از آنکه پیشوایان مذهبی آنها را بمطالبه حقوق و مخالفت با مظالم درباریان ترغیب و تحریص نمودند ، تقریباً شانزده هزار نفر از هر طبقه و هر صنف از اهل طهران در محوطه سفارت انگلیس و مساجد و امکته ، دیگر شخصین شدند ، و با کمال نظم و مناسبت سیور سات و ملر و مات معاشیه و لوازم حفظ العصبه در آن امکانه برای خود آماده کردند ، این ندایوسا کثاته ، به عزل کردن شاه عین الدوله را که از او شاکی بودند کامران و به آنها سلطنت دستوری قانونی یا مشروطه عطا شد ، بعد از کوششهای مختلفه که شاه و وزراء برای درهم شکستن صولت آن طرز اقدامات ملین بکار برده بجزور بقبول شدند ، بلا حفظ توهین و رنجشبهکه برای درباریان از آن طرز رفتار و حرکات ملین حاصل شد و از نرس آنکه مبادا تدابیر عملی آنها در مدافعه سخت تر از این گردد ، پنجم اوت ۱۹۰۶ (سیزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۴) دستخط مشروطه با ایشان اعطاء و مردم بر سر خانه و مشاغل معمولی خود مراجعت نمودند *

سلطنت استبدادی قزاقان و شاهان ایران با این طرز باوی و شورش بدون خونریزی ، بمبدل سلطنت مشروطه گشت * اگرچه آن مشروطه با احتیاطات عدیده ناقص بود ، ولی امریکه خیلی منظم بود ، بیداری و اطلاع مردم از حقوق حقه خود و عزم بسیار را می نشان ، برای اینکه هموطنان خود را از آن راهی که از قرون عدیده ملاحظیشان بزرگی و جلالی آنها را بیجا بیا گندگی و بی شایستگی شدن و تخریب سلطنت میکشاندند ، متصرف بوده و نجات دهند *

از آن حقوق ملی که مجلس با هیئت ، تجربه ملت بدست آورده بود که در تعیین وزراء و وضع یا تدوین قوانین ، موقع گه تنگ داشته باشند ، بر گذرین تغییری در قدرت مستبدانه شاه را یافت * پس از مراسلات و تبادل افکار و تحسن (بهت) اجتماع دومی که در محوطه سفارت انگلیس در اوایل ستمبر ۱۹۰۶ (اواسطه رجب ۱۳۲۴) واقع شد ، در اوایل اکتوبر ۱۹۰۶ (اواسطه ثمان ۱۳۲۴) بدون انتظار ورود و کلا ، ولایات اولین مجلس در طهران افتتاح و نطق شاه خوانده شد *

چهارم ژانویه ۱۹۰۷ (هیجده ذی قعدة ۱۳۲۴) مظفر الدین شاه فوت نمود و محمد علی میرزای ولیعهد که در تبریز اقامت و حکومت ایالت زرخیز معظم آذربایجان را داشت و شاه شد * این شخص بی شرف هفدهم دسامبر ۱۹۰۶ (سلخ سوال ۱۳۲۴) وارد

طهران گردید * آنوقت شاه بسیار سخت مریض بود * نوکرم ژانویه ۱۹۰۸ (چهارم ذیحجه ۱۳۲۸) بدست نشست * قبل از آن تعهد کرده بود که اساس مشروطه و حقوقی را که پدرش بهت عطا نموده باقی و برقرار بنماید *

محمد علی شاه فاجار تمایذ شخص جبار و گمراه و بی آبرو و مودی ترین جانور قزاقی عدید بود که تحت سلطنت ایران را ملوث ساخت از ابتدای اقتدارش رعایای خود را به بی عزتی و حقارت نظر می نمود و سبب دانستن معلم روسی بد ذاتی برای باطنبال و آنکه کوب کردن حقوق ملت بسپوات تمام نالیب الحکومه و آتیه اجرای مقاصد دولت روس و سفیرش در ایران شده بود *

دوره سلطنت محمد علی شاه بطریقه بسیار منحوسی آغاز و با کمال نخوت و بی اعتنائی مجلس می نمود * آن بدگمانی و مخالفتی علی طرفین عمومیت پیدا کرده و مجلس مصمم شد که بعضی از آن افتداریتیکه بزحمت زیاد تحصیل نموده بکاربرد شاه باهمرازان محبوبش که در برابر و درباریان ارتجاعی بودند * عزم جزم نمود که تمام قوای چارانه و مسجدانه سابق خود را که خاندان فاجار به بآن متصف و مشهور بودند * بکار برده و بر خلاف رعایا و اهل مملکت خود با امورین دولت روس سازش و آنتریک نماید * حقیقه با روس و انگلیس برای استقراض چهار صد هزار پاره که موافق میل و رضای خود صرف و تلف نماید * عمرانه قرار داده نموده بود ولی آن قرار داد مشهور بانندک زمانی مکشوف و بواسطه تناعت و اقدامات سلاطین و مجلس از تکمیل و انجام آن محروم شد *

و کلام مجلس بیشتر از پیشتر بقین حاصل نمودند که شاه و باوقیهایش * ایشان را مخالف اراده و پیشرفت مقاصد خود میدانند * باین جهت و کلام عازم شدند که اقتدارات خود را در اصلاحات لازمه امور بکار برده و مخصوصاً سعی و کوشش بسیار نموده که استقراض جدید از روس و انگلیس را مانع شوند زیرا که آنها آن فروش روز افزون ملت ایران را باعث خطر آزادی و استقلال ملت میدانند * باین لاجزمه کوشش نموده که مخرج شاه و اهل دربار و اطرفیانش را محدود سازند * آن تصرفات اجباری عایانه را که با کمال بی دبانگی مثل دزدان در مالیات و عایدات دولتی می نموده و این املاک شخصی اجاره میدادند * تخفیف و اثرات مغزات بخش ممبرونوز (M. Niaz) که شخصی لیبکی * و از حدود سال قبل با عده از عموم خدایش رای خطه گارکت ازین جانب شده و در حال حیات می دهند *

اختلافی ایران

سهام شرکت داخلی باشند تشکیل دهد ، تا بواسطه انکال و اتکاء به آن از استقرافات اجانب رهائی یابد *

۵م فوریه ۱۹۰۷ (۲۶ ذی حجه ۱۳۲۴) شاه مجبور شد که مسیونوز را مهزول نماید . این اولین کاسرائی بود که وقع و اهمیت مجلس را در انظار مردم ایران بسیار ترقی داد *
در این موقع شاه مسمم شد که از امین السلطان معروف به اتابک اعظم ، برای انجام دادن مشاغل ریاست الوزرائی ، خواهش مراجعت بایران نماید ، تاریخ جدید ایران شاید اتابک را مقدر ترین شخصی بداند که با تعلیمات بسیار وسیعه اروپائی ، بعد از سیاحت کامل مراجعت نموده ، ولی بکلی مستبد و مرثشی بود . بلاها او را بواسطه شرکت و مداخلت بی دینانته که در دو فقره استغراض از روس بابت سنه ۱۸۹۹ تا سنه ۱۹۰۰ و سنه ۱۹۰۲ نموده بود شرم و مقصر میدانستند . و در سنه ۱۹۰۳ مجبور شد که بجلاء وطن نماید . رفتی که اتابک اخبار رضایت بمراجعت نمود . دولت روس در تجدید روابط دوستی و خصوصیت و گرم گرفتن با او فرصت را از دست نداده و مشار الیه را با کشتی جنگی خود باشایان ترین اعزازات رسمی از بحر خزر به بندر انزلی ایران عبور داد ، همینکه از کشتی پیاده شد اهالی رفت که متر حکومت گیلانست ، قبل از اینکه اجازه حرکت بسمت طهران باو بدهند او را مجبور کردند که بوفاداری و صداقت با اساس مشروطه ایران قسم یاد نماید *

یست و نشم ایلی ۱۹۰۷ (سیزدهم ربیع اول ۱۳۲۵) که اتابک مراجعت بایران نموده وارد طهران شد ، تمام شعب و دوائر دولتی را بر ایشان و غیر منظم یافت ، خزانه را محاسب ، معونی حالی و در نیم مملکت تورش و عروج و ریح جاری بود ، اگر چه مجلس که پیش بداد است که چه باید بکند ، و ولی شاه مسمم بود که بجایمان غیر از فتنه تدوین و اجراء حیران ساز اقدام هیچ کار دیگری نکند ، از این استغناء ، بر خلاف حکومت قلی السلطان عموی شاه تورش و و در این راه بر سر راه رسیده و قتلش بود در راه رزن طهران برای ترویح منی شاعران ، سالار ایلی ، زلیخه ، شاپور ولایت شهنشاهی و غیره که خود را برای تحصیل تنج و عه بطهران سزای نمود ، بعد از مدتی در زندان بود ، و در همان ماه در نزدیکی تهران بسمکت خورد ، و دستگیر گردید *

امور و اوضاع مملکتی از دست رفت و دولت روس هم که هیچگاه رضای استغرض

اصول مشروطیت در ایران نبود. از ماه اوت بداخالات خود شروع به تهدید مجلس نموده. با عتانی هم مخالفت آغاز و یکدمه شش هزار نفری از افواج عتانی از سرحد شمال غربی ایران عبور و تجاوز و بعد از تصرف و قبضه نمودن چندین قصبات شهر ارومیه را آشکارا تهدید نمودند *

در تمامی آن مدت اتابک مشغول به نقشه کشی و بدست آوردن قرضه دیگری از دولت روس بود. چون خائف بود که مبادا مجلس تصویب نکند و بدون تصویب مجلس هم تکمیل آن قرض مشکل بود. تا او آخر اوت تقریباً در حلب، موافقت اکثر وکلا، با خیال خود، کابیران و کامیاب کردید. ناگاه درسی و یکم اوت (بیست و یکم رجب ۱۳۲۵) وقتی که از پارلمنت بیرون می آمد، بگلوا جوانی معروف به عباس آقای تبریزی کشید و بلا فاصله عباس آقا هم خود کشی نمود. آن جوان یکی از اعضاء انجمن های بسیار بعضی جماعت و سوسپاتیهای پلیسی سری بود که اعضاء آنم! به تعداد کتبری معروف شده بودند. ولی بی شبهه قصد و خیال وطن پرستانه وی حفظ دولت مشروطه بوده و از خرابی و حبله هائیکه بقوسط این رئیس الوزراء در شرف ظهور آمدن بود. او را وطن فروش میدانست *

قتل اتابک شاهد صریحی بود بر تحقق و وجود عدم کتبری که هم حورده بودند که اساس مشروطیت را حمایت نموده و کسانی که مخالف با نایبندگان باشند از میان بردارند. اگر چه به تحمل زجر و مشقتهای سیاسی. یا بکشته شدن مجرمانه منجر شود *

بعد از آن تا زمانه درازی بر بشتی بی اندازه در امور و نامدنی شاه و مجلس توانستند در قبول کابینه اتفاق نایبند. تا او آخر اکتوبر ۱۹۰۷ (او آخر رمضان ۱۳۲۵) که ناصر الملک (که اکنون نائب السلطنه ایرانست) به تشکیل کابینه متفق علیه موفق شده احتمال قوی در باره بسیاری از اعضاء آن کابینه میرفت که حامی اساس مشروطیت باشند. تا ماه دسامبر که آن کابینه مستعفی شد. به مشاغل راجعه بچلود مشغول بودند *

می و یکم اوت ۱۹۰۷ (بیست و یکم رجب ۱۳۲۵) معاهده بین انگلیس و روس در پترسبرگ با مضا رسید و چهارم سبتمبر (بیست و پنجم رجب ۱۳۲۵) در طهران شهرت یافت و با کان احتیاطیکه در مواد و عبارات اطمینان بخش آن عهد نامه رعایت شده و با ضمانت احترام و بقاء استقلال ایران که در آن تصریح شده بود. اثر بسیار دردناک حسرت انگیزی در ایران نمود *

وقع و اهمیت معاهده مذکور: رای و قانع تاریخی که بعد ذکر خواهد شد. بدرجه می

باشد که متابعت دارد قسمتی از موادش که راجع به ایرانست ~~مورد~~ اینها ذکر شود *

(معااهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس)

(یعنی حضرت پادشاه ممالک متحده و پرتغایه اعظم و آبراند و مستملکات ماوراء بحار بریتانیه و امیر اطور هندوستان و اعلی حضرت امراطور تمام روسیه . بواسطه تحریک خواهشهای سایه . راجع به تصفیه مسائل مختلف فیه . متعلق بفوائد و منافع دوامین در قاره آسیا . ممفقا مصمم شده اند که عهد نامه را تکمیل کنند که غرض اصلی از آن منع و رفع موجبات کدورت و اختلاف بین دولتین ایتالیسه اعظم و روسیه میباشد . متعلق بمسائل مذکوره ذیل :-

این ملاحظه سفر خود را یعنی اعلی حضرت پادشاه ممالک بریتانیه اعظم و غیره سر آرثر نیکولسن (Sir Arthur Nicolson) سفیر فوق العاده و وزیر مختار دولت خود را که مقیم در بار اعلی حضرت امراطور روسیه است و اعلی حضرت امراطور تمام روسیه رئیس در بار خود الکساندر ایسولسکی (Alexander Iswolsky) را که وزیر امور خارجه دولت روسیه است . برای انجام این معااهده مأمور نموده ، و ایشان کلیه اقتدارات و اختیارات خود را که صحیح و مطابق قاعده بود بیکدیگر ابرائه و تسلیم و در امور ذیلی اتعاق نموده اند :-

اصلاحات متعلقه بایران

(دولتین بریتانیه و روسیه باهم متعهد اند که احترام استقلال و آزادی ایران را کمالاً رعایت نمایند و خون صدقانه حواستار و طالب حفظ و بقا امنیت و نظم در تمام آن ملک و ترقی صحیح صلح آمیز آن میباشد) و نیز برای برقرار داشتن توازن متساویه تجارت و صناعت جمیع مال دیگر و بملاحظه اینکه هر یکی از این دو دولت ملل و موجبات جغرافیائی و اقتصادی غرض و داده خاصی در برقرار داشتن صلح و امنیت در بعضی ولایات ایران در نظر دارند ، که از یک طرف متصل یا مجاور سرحد روسیه و از طرف دیگر بر حدات افغانستان و بلوچستان میباشد . و چون خواهشند برادر و اجتناب از موجبات مناقشات بر (منافع و دوائه معااهده نمودن) در ولایات مذکور . ایران میباشد در تباط و مواد ذیل باهم اتعاق نموده اند :-

۱) اولاً دولت انگلیس یا بریتانیه اعظم عهد میکند که هیچ گونه امتیازی برای خود اجابت رعایتی نگذارد . و رعایتی دولت تانمی جنب و تخصیص نکند چه بایکدیگر

و بانك شاهنشاهی تا تاریخ امضاء این عهد نامه قرارداد شده است *

(خامساً) در صورت وقوع بی نظمی در انضباط استهلاك یا تأديه سود قروض دولت ایران که با بانك استقراضی و بانك شاهنشاهی ایران تا تاریخ امضاء این عهد نامه قرارداد شده و در صورت وقوع ضرورتی که برای دولت روس پیش آید، برای برقرار نمودن نظارت خود بر مآخذ های حایذاتی که ضامن تأديه قرضهای بانك مذکور اول، و در خطه مذکوره در فصل دوم این عهد نامه واقعست، یا برقرار نمودن دولت انگلیس نظارت خود را بر مآخذ های عمایه ای که ضامن تأديه قرضهای بانك مذکور ثانی را نموده و در خطه مذکوره در فصل اول این عهد نامه واقعست، دولتین انگلیس و روس تعهد میکنند که خیالات خود را در دوستانه با رعایت تدابیر و شروط نظارت در مسئله معهوده پیاده نموده و از هر گونه مداخله و تصرفی که مخالف با اصول این عهد نامه باشد اجتناب ورهیز کنند، نیکلاس - ایسولسکی)

قوات دیگر این عهد نامه معانی بافغانستان و تبت است *

این عهد نامه قطع بین انگلیس و روس انعقاد و تکمیل یافت، علی الظاهر برای نظم و تعفیه مسأله بود، که تعاقب به فوائد و اغراض متناسبه آنها داشت، جمیع آن فوائد و اغراض چه در مملکت ایران و چه در سایر ممالک، جعلی و از خود در آورده و بین خود شان معهود مقرر بود، دولت ایران در انعقاد این عهد نامه هیچ قسم نه سرآ و نه علناً طرف واقع نبوده و دخالتی نداشت، و مجلس نیز حقیقه از تکمیل آن عهد نامه تا چهارم دسامبر که در طهران انتشار یافت بی اطلاع بود *

ایرانیان بی شبهه از این تقسیم مملکتشان در شب (در عیاب و خفا) اظهار کفر بسیار نمودند، حتی از آن خطوط و عومی جغرافیائی که آن دو دولتی که خود شان را با دولت ایران متخاصمین مینامند، معین نموده و در صورتیکه صراحتماً تعاهد و اتفافی خود شان را برای استقلال و آزادی ایران و خواستههای داده آنها در قراردادشان بضم در تمامی آن مملکت و ترقی صلح آمیز آن، اعلان کرده بودند *

اعالی طهران خیلی شیفتهان آمده، جوش و خروش و پروتستهای متعارفی در بازارها واقعست، روز دیکر سر سبزی اسمرانک و سس (Sir Cecil Spring rice) وزیر مختار انگلیس در طهران مرادله رخص بدولت ایران دست که در آن توضیح حقیقت و معنی آن نهد، آمد و استبدیده را به عبارت ذیل درج کرد: بود *

ترجمه مراسله رسمی وزیر مختار انگلیس راجع به امانت و اشراط حقیقی معاهده انگلیس و روس که در چهارم سپتامبر ۱۹۰۷ (بیست و ششم رجب ۱۳۲۵) بفارسی بوزارت امور خارجه ایران اظهار داشته بود *

بدوستان اطلاع رسیده که در ایران شهرت دارد که قرار دادی فیابین انگلیس و روس منعقد شده که نتیجه آن مداخله دولتمین در ایران و تقسیم این مملکت بین آنها خواهد بود. جنبه عالی مطالعید که حقیقت و ماهیت عهد و پیمان انگلیس و روس بکلی بر خلاف عقاید مردم میباشد. چنانچه بهین تاریخ جناب مشیر الملک به پلار سبرگ و لندن رفته و با وزیر امور خارجه هر دو دولت در این باب مذاکره و بحث نموده و آنها صریحاً اعرض مطلوبه خودشان را در باره ایران بایشان اظهار داشته بدون شبهه مشیر الملک آن اطمینانات را بدولت متبوته خود اطلاع داده است *

سر ادوارد گری (Sir Edward Grey) وزیر امور خارجه انگلیس مضمون مذاکرات با مشیر الملک را اظهارات مسیو ایسولسکی (Iswulsky) را که رسماً بدولت انگلیس تقدیم و بشیر الملک توضیح و باین هم اطلاع داده است. (که سر ادوارد گری و مسیو ایسولسکی در دو نکته اساسی بکلی باهم متفق اند) اولاً هیچیک از این دو دولت در امور ایران مداخله نخواهد کرد. مگر در صورتیکه خسارت و نقصانی بجان یا مال رعایای آنها وارد آید. ثانیاً مفاد و مقصود که از معاهده دولتین انگلیس و روس استنباط می شود. هرگز شکستی باستقلال و آزادی ایران وارد نخواهد آورد *

سر ادوارد گری این نکته را هم اظهار داشته که بواسطه رقابت و مخالفتیکه بین دولتمین انگلیس و روس تا بحال بوده و هر یکی از آن دو سعی و کوشش در منع دوام نفوذ دیگری در ایران می نمودند و اگر این رقابت غیر مطمئنانه چندی در ایران امتداد می یافت. شاید يك یا هر دوی آن دو دولت را مداخله در امور داخلی ایران ترغیب می نمود. تا از استناد و انتفاع دیگری را ضرر خود را حالات موجود نمیت نماید. غرض از این معاهده بین انگلیس و روس جلوگیری چنین اشکالات بین خودشان بوده و این معاهده بوجه این الموجوده بر خلاف صرفه و صلاح ایران نیست چنانچه مسیو ایسولسکی این نکته را بجناب مشیر الملک توضیح کرده است. (هیچیک از این دو دولت هیچگونه چشمداشت و توقعی از ایران ندارند و هیچ چیزی نخواهند. تا اینکه ایران بتواند تمام قوای خود را برای نظم و تصفیه امور داخلی جمع نموده و معروف دارد) و آن دو وزیر بکلی در عدم

مداخله در ایران متفق (و جای هیچ گونه احتمال شکی هم در این باب بانی نگذارده اند) کلمات و عبارات مسیوایسولسکی که بیان اراده انگلیس هارا می کند بر حسب ذیل است: «مسلك عمومی دولت روس اجتناب از هر قسم مداخله در امور محالك دیگر میباشد. تا وقتی که امر مضری برای فوائد او واقع نشود و بکلی ممنوع است در معامله موجوده از مسلك خود انحراف ورزد»

در باب شهرت خواهی تقسیم ایران بین انگلیس و روس اظهار کرده میشود که دولتین مذکورین میخواهند در ایران نفوذ خود را محدود و معین نمایند. (سر ادورد گری و مسیو ایسولسکی) هر دو صریحاً اظهار داشته اند که این راپورت های خواهی بکلی بی اصل میباشد. چیزیکه این دو دولت در نظر دارند اینست که بی خواهند قراردادی برای منع اشکالات و اختلافات آتی به عقد نمود با ضمانت و تعهد این نکته که باید هیچیک از آن دو دولت اراده جلب نفوذ در آن حصص ایران که متعلق به خود دولت دیگری است نکنند. این معاهده نه مضر بفوائد ایران و نه مانع از مافع دولت دیگر است. زیرا که این معاهده انگلیس و روس را فقط پای بند و مقید میکند (که در ایران هیچ طریقه اقدام به امری نکنند که منجر و منتهی به نقصان فوائد و مافع دیگری شود) و به این وسیله ایران را در آینده از (آن مطالبیکه در ازمنه سابقه مانع از ترقی آرزوهای پوئی کیشان شده بود نجات دهد) آنچه مس و ایسولسکی اظهار نمود بر حسب شرح ذیل است: -

«این معاهده بین دو دولت اروپائی که بزرگترین اغراض و فوائدشان در ایران بر ضمانت استقلال و آزادی آن ممالک میباشد. فقط برای ترقی و پیشرفت فوائد آن دولت عمل خواهد شد تا از این (بهد ایران بتواند به کمک و امداد این دو دولت قوی همسایه تمام قوای خود را تصرف اصلاحات داخله خود بوساند»

از بیانات مذکوره فوق ملاحظه خواهید فرمود که امواتیکه در این روزها راجع بمخیالات سیاسی انگلیس و روس در ایران شایع میشود حتمتاً بی پایه و بی اصل است. غرض این دو دولت از انعقاد این عهدنامه هیچگونه حمایت نیست (بلکه برای مطمئن ساختن آزادی اندی ایران است) نه فقط بی خواهد عذری بجهت مداخله کردن در دست داشته باشند بلکه عریس آنها را نیز عهد و پیمانهای دوستانه بین است که یکدیگر را (از مداخله در ایران به امانت حفظ اغراض و فوائد) معذور نماید. آن دو دولت امید دارند که دولت ایران همیشه از خوفی مداخله اجتناب نجات یابد. تا به نحوی آزاد شود که امور خود را

بنفوز و خواه نظم دحلل) و با این قسم هم بخود ایرانیان و هم به تمام اهل عالم فایده خواهد رسید *

تا دسمبر ۱۹۱۱ (اوایل محرم ۱۳۳۰) این نوشته معتبر رسمی در «بلو نوک» انگلیس ثبت شده بود (۱) * لکن در همان اوقات بواسطه سئوالیکه بعد از تاریخ مزبور در آن باب از وزیر امور خارجه در مجلس و کلام عمومی شده بود، مشخص گردید که مراد از مذکوره پنجم دسامبر ۱۹۰۷ (بیست و هشتم رجب ۱۳۲۵) از طرف وزیر مختار انگلیس مقیم طهران بدوات اخطار گردیده است *

حالت در پیشانی و بی نظمی ایران بهمان قسم جاری بود، در ماه نوامبر مطابق و چنانچه طهران در آن یکسک های سخت حقارت آمیز بی مهاباه و ترسناکی حجابانه ما فوق التصور بشاه حمله نمودند، چهارم نوامبر (بیست و هشتم رمضان ۱۳۲۵) شاه با شکوه تمام تجماع رفته و مرتبه چهارم بقراآن قسم مغلط یاد نمود، که مخالفت با اساس مشروطه نکند، و وفاداری نماید *

اوایل دسمبر همه معلوم شد که محمد علی شاه عزم خود را حزم نموده که مجلس را خراب کند، برای انجام این مقصد دودسته قشون داشت، یککاد معروف قزاقی ایرانی که جمعیتشان از هزار و دویست تا هزار و هشتصد نفر، و در تحت فرماندهی و حکم صاحب تبعیبات نظامی روس و از طرف دولت «سارالم» برای انجام این خدمت مأمور و مکن مواجب بکری از خزانه دولت ایران بودند، و جماعت غار منظر هم از طبقه نوکر و مهر و خاطر حی های خرد شاه، به انضمام رجاله و آراذل حریص بای تخیف، انواع ایران بواسطه بیروانی مصادر امور جنگ جهان بخصیض گلهائی نازل کرده بودند که «بمخمس آنها را قایل اعتنا تصور نمی کرد» *

در دهم دسمبر (نهم ذیحجه ۱۳۲۵) شاه اعضاء کابینه ناصر الملک را که تازه همان اوقات مساعفی شده بودند طلبید و آنها را جهراً توقیف و رئیس الوزراء هم جرماً آنها نود (۲) ..

در این اثنا الواط و اراذلیکه احبیر شده و از شاه بوز گرفتند در میان توپخانه که

(۱) بلو نوک یا کتاب آبی: دهم است که سواد و مستحبات پانتهیکی در آن ثبت می شود *

(۲) امر ... بواسطه سناریش و ناکید سعادت انگلیس حلالی ... به سار الملک

از همدردی بی سراندرد گیری و در دوستان بسیار از سیاه پوین انگلس دست *

واقع در نقطه مرکزی طهرانست . بلوائی آغاز نموده و برخلاف مجلس هیا هو کردند . لیکن اقدام کافی برای تصرف و قبضه نمودن بهارستان . یعنی هانریکه و کلاه در آن اجلاس و مذاکره میکردند . فراهم شده بود . روز بعد در موقعیکه مجلس بر حسب معمول منعقد بود . داوطلبان مسلح از تمام اصناف ملت . برای دفاع از نهیدندیکه بنایندگان مشروطه آنها شده بود . فوراً بطریقه خاطر حاضر شده و مدخایهای مجلس را محافظت نمودند . باین جهت بلوائیات شاه و خزانهای ایرانی جرأت حمله بمجلس نکرده نتیجه این شد که صلح عوفی بر وی کنار آمد . باین معنی که شاه راضی شد بر حسب تقاضای ملت بعضی از اندام و وزراء خود را معزول و ترمیم کرده . و الواط را که باعث سلب امنیت شده و مسکده طهران را غارت کرده بودند توبه و برکاد قرآنی و انواع دیگر دوائی را در تحت اختیار و اقتدار وزارت جنگ قرار داده و مجدداً قسمنامه مهر کرده و مجلس بر مستند که مخالفت با مشروطه نماید . در این موقع مردم واسطه شنیدند تهدید تخریب مجلس فوراً از جمیع ولایات تکراراً اظهار حمایتهای خود را سوگلا . خویش تتمدیم نمود . و چند دسته فدائی مسلح هم بطرف پای تخت گسیل داشتند *

پنجم دسامبر ۱۹۰۷ (چهاردهم ذیحجه ۱۳۲۵) اول از عود امنیت از طرف شاه کاپیتان جدیدی بریاست نظام الساطره معین و مجلس هم طریقه صلح آمیزانه خود را نسبت بشاه جاری و لکن در این قسم و فایع تازه بر انگیخته شده و پیش می آمد *

اواخر فوریه ۱۹۰۸ (اواخر محرم ۱۳۲۶) اراده قتل شاه شده بود . و تشبکه در کانسکه که عقب انومویلی سلطنتی میراث فتنه و از خباثانهای طهران عبور مینمود . باین گان که شاه در انومویلی است « پس » بالای انومویلی انداخته و محترق شد . زخم کنی « شوره » یعنی انومویلی شاه که مرده فرانسوی موسوم به « وارنه (M. varnet) بود رسید و محمد علی شاه جوانی سلامت در زرد و صعروحت و دهشت سخت صدمه باور رسید . البته از آن سوء قصدیکه مشروطه طلبان است بجان شاه کرده بودند تبه بد کن شده . و راعط و تلفاتش نسبت تجار و مجامیان نازک و دقیق تر کردید *

اواخر مه ۱۹۰۸ (اواخر ربیع الثانی ۱۳۲۶) هر یکی از آن دو فریق مطالب و مقاصدی اخبار عمده بودند که بنا بود طرفداران شاه و مشروطه طلبان آنها را تصفیه و اصلاح نمایند . لذا اول روم ۱۹۰۸ (عرّه جمادی الاولی ۱۳۲۶) شاه حواء محووم مجبور شد که عده از دراران از بجای خود را که یکی از آنها امیرالمؤمنین حضرت معروف که ملتبان از او بسیار

متفرج بودند. موزول کند ولی مشارالیه سفارت روس بنا شده شد *
روز بعد مداخله های علمی سفارتخانه های انگلیس و روس شروع و بطوری صریحاً
تقریب و امتداد از مغلوب شدن مجلس نمودند که نتیجه آن سه هفته بعد بمباردمان بهارستان
بقوسط یریکاد قزاق شد *

وزیر مختار روس مسیو دهارتویک (M. Dehartwig) و تمارژدائر انگلیس
مستر مارلینگ (Mr. Marling) وزیر امور خارجه ایران را ملاقات نموده و
دولت ایران را حقیقتاً تهدید کردند که در صورتیکه مخالفت و ضدیت با خیالات و نقشه
های شاه ترک نشود، روس مداخله خواهد نمود و وزیر مختار روس سبقت گرفته، تهدیدات
خود و خواهشهای شاه را اظهار نمود ولی زاید آنکه مجلس سحرایی دولت متبوعه خود را
نقطه موقوف بقبول مقاصد وزیر مختار روس گردانید *

چگونه ممکن است که این تخویف و تهدید دولت روس و انگلیس را بمداخله چابرا نه
در اساس امور داخلی ایران، با آن معاهده دولتمین و مراسله که «سرسیسیل اسرنتک ریس»
دولت ایران نوشته بود توافق داده و جمع نمود. بی شبهه این تهدیدات تماماً مآض باوعد
هائیسست که در آن عهد نامه درج شده بود *

آن بیخام منحوس سفارتین فوراً بمجلس اخبار کرده بود و در آنجا هم همان اثر را
خشید. که ملی الظاهر نمایندگان و بلوماتی در نظر داشتند. مجلس همیشه از مداخله اجانب
خوفناک بود *

بعد از آنکه مجلسیان، شاه معتن جنبه جوی قسم دروغ خور خود را عملاً بیور
کردند که مطابق قانون زندگی کنند بملاحظه اظهارات آن دو سفارت که غرض اصلیشان
و گردانیدن معاملات ایران بجات اولیه بود که از آبهای کدر گل آلوده ماهی بگیرند.
بیور شدند که جنبه خود را بی نتیجه بکنند *

روز دسکر که سوم ژوئن ۱۹۰۸ (سوم جمادی الاولی ۱۳۲۶) بود خوف شاه اورا
بیور کرد. که بجهت محافظت خود از هر قسم مخاطرات مصوره از شهر خارج شده و هر
اغ شاه که خارج از شهر است اقامت نمایند. و نمیکه در این مسامرت کوحال از خیابانهای
شهر بیور میکرد بواسطه رها نمودن دوهزار نفر سرباز گارد «سیلاخوری» که مستحقش
رندند. و حرکت دادن سرحله نرفقزاق یا توپخانه و لوله و هیاهوی در شبی در شهر دریا
بود شاه باین تدبیر و در بنای این رده عوسا و آتوب (اتاقی کرنل لیاخف Colonel)

(Liakhoff) کاندان بریکاد فزائی . پیاغشاه وقت *

روز بعد جماعت کثیری از مردم . به تصور اینکه شاه خیال سمله دیگری بمجلس دارد . خواستار اعلان خلعت شدند *

پنجم ژون ۱۹۰۸ « پنجم جمادی الاولی ۱۳۲۶ » شاه بگرفزار کردن عده از مشروطه طلبان مصمم شد و به پناه اینکه میخواهد با ایشان مشورت نماید . آنها را پیاغشاه دعوت نمود ولی یکی از آنها فرار کرده و واقعه را فوراً بمجلس اطلاع داده . این اقدام باعث هیجان شدیدی در پالتخت شد *

بین ششم و بیست و سوم ژون ۱۹۰۸ « ۶ و ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ » شاه تهدیدات علنی نموده و تدارکات خود را برخلاف مشروطه طلبان دیده و افواج و اسلحه و تاور خانه بسیاری در پیاغشاه جمع و همیا و تکر الخانه ها را ضبط و از این راه مخفیات بین مجلس و ولایات را قطع و بجای مشروطه طلبانیکه مستخدم دولت بودند . ارتجاعیون مشهور را بخدمات دولتی مأمور و بسیاری از مردم را حبس و قانون نظامی را در شهر جاری و ریاست حکومت نظامی را به « کرنال لیاخف » روسی سرد . بعد از آن فزاقها را با يك اوانیایوم تهدید آمیزی بمجلس فرستاد که اگر مردم منتشر نشوند مسجد را بهار دمان خواهد نمود و علاوه نمید عده از مدیران جرائد و اضافات مشروطه خواه را خواستار و در آخر بیست و دوم ژون مجلس و مردم را فریب داد که کسوفی مرکب از ملتیمسا و دواتیمسا . برای تعقیبه مسائلی مجعوث عنه مختلف فیه . تشکیلی شود

قبل از طلوع آفتاب روز بیست و سوم ژون ۱۹۰۸ (۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶) بیشتر از هزار نفر فزائی با افواج دیگر عمارت مجلس را محاصره کرده و ضیایاتهای متصله بآن را نیز تصرف و مسدود نمودند . و کلا و سایرین بجهت تمام خود را بدان محل رسانیده آنها را مانع از دخول بمجلس شده . وی از خارج شدن جماعت بممودند . یکساعت بعد « کرنال لیاخف » با شش نفر صاحب منصب روسی دیگر وارد شد ، افواج و تش توب موجوده را بتوسی تقسیم کرد که سرکوب به آن محل بآمد . بعد از آن کرنال مزبور سوار بر اسب شده و از آنجا رفت . افواج و توپخانه که تحت فرماندهی باقی انصران روسی بود فوراً بعمارت مجلس تسلیم نموده و در تلبیک اول عده از د او طلبان ملی که در آنجا حاضر بودند کشته شدند *

سده . با بیشتر از مایات مسلح که در آنجا حاضر بودند جواب تسلیمشان را داده

و ۳ توپ فراتر را بکلی بیکار ساختند. مجتهدان کتک بفراترآید رسیدند و او طلبان مجاس با اینکه عده بسیاری مخالف ایشان بودند، مدافعه شدیدی نموده و تا هفت یا هشت ساعت چنگ را امتداد دادند، تا اینکه آن عبارات از اثر نارنجک و شربل خیلی خراب شده و آنها را که در آن بودند یا معتول و یا گرفتار و با فرار نمودند *

بسیاری از ملت‌های معروف گرفتار و ایشان را یا حبس و یا خفه نموده و بعضی دیگر که دولتیان در صدد دستگیر نمودن آنها بودند، فرار کردند. «کرنل لیاخف» و ناپین هایش تا چند روز خانه های اشخاصی را که مشغور شاه بودند، تهاجد و عارت میکردند. دفاتر مجلس را هم ضایع کردند. «کرنل لیاخف» با اینکه مأمور نظامی روس و پلیس به لباس روسی و موجب بیکر از دولت ایران بود، حاکم حقیقی با اقتدار طهران گردید. کابینه روس با نقاد بهائیکه انگلیس و سایر اروپائیان از اقدامات و مداخلات وی و اعمال «لیاخف» کرده بودند، بکلی انکار و تحاشی نمود و متعهد شدند که اقدامات کرنل مزبور بکلی در تحت احکام شاه و پمیری امن او بوده است. دلالت و تمهادهای بسیار موجود است که ثابت میکند که لیاخف در واقع، نقشه تخریب مجاس و اساس مشروطه را بر حسب اراده و میل جماعتی از ارتجاعین که دور او را دور امپراطور روس در پترسبرگ بودند و سیوه «دهار توبک» وزیر مختار روس در طهران توانائی از آنها بود، بوضع اجرا گذاشتند.

در خلال این حال شورس در ولایات، خصوصاً در رتت و کرمان و اصفهان و تبریز شروع و اهالی تبریز خلع شاه را اعلان داده و از آنها يك دسته سیصد نفری سوار بطهران برآمدند که از مشروطه حمایت نمایند. *

در این زمان امیدواری استرداد و عود حکومت مشروطه در طهران خیلی ضعیف شده بود. حای تعجب نیست از اینکه مردم طهران قطع امید و آرزوهای خود را احساس نمودند.

همان روز که «کرنل لیاخف» در طهران مستغول گاووله ریزی مجلس بود در تبریز که دوم تیر از استار است بین ملتبان و دولتیان در بازارها چنگ شروع شد. سکنه تبریز از آن زمان که محمد علی شاه را مهد و حاکم ایالت آذربایجان بود او را بغوی متخاصمه و از وی متنفر و در:

ناده ماه بعد از تخریب مجلس مشروطه طلبان تبریز دو حارس عسرت و کتک‌کنی در آنستایی بودند. و آنی گرفتار کتک‌کنی و معذرت با دولتمندان و در با اینکه نفرین آریا

از شهر خارج کردند. او آخره بسبب مستود شدن راه ها و محاصره کامل شهر دو چار قطع و غلا شدند. در اکتوبر ۱۹۰۸ (رمضان ۱۳۲۶) شهرت نمود که روسها به پیمانۀ اینکه فونسل تبریز احتمال وقوع خطر سختی برای ارواڤاتیای آن شهر میدهد. اراده فرستادن فستون برای مداخله در تبریز دارند. ولی حقیقت امر مکشوف شد که «سیپو بوخیتانوف (M. Pokhitonoff) با دولتپها آتربک کرده که اسلحه و قورخانه فستون دولتی برساند. افواج ملی برای احترام و محافظت جان و مال اتباع خارجه خیلی سعی و احتیاط میکردند و شهادت کافی از ارواڤاتیها راجع به اثبات این امر در دست است که در زمان تسلط حکومت مشروطه در آن محل. نظم کاملی برقرار بود.» *

یازدهم اکتوبر (چهاردهم رمضان ۱۳۲۶) چهارصد نفر فراتی ایرانی با چهار توپ. در تحت فرماندهی افسران روسی بریگاد فراتی. برای مدافعه دشمنان از طهران به تبریز روانه شدند. ولی تا دوازدهم اکتوبر ملتیان بکلی تمام شهر تبریز را تسخیر و قبضه نمود. بودند * او آخر نوامبر (اوایل ذیقعد ۱۳۲۶) با وجود ورود قزاقها با توپ. برای امداد محاصره شهر. ملتیان تبریز متواترا فتوحات میکردند. ملین سایر ایالات فرضی برای تکمیل نقشه های جنگی خود بدست آورده و در ظرف چهار ماه بعد از آن بمقصود خود نائل شدند. رشت و اصفهان و لاروسس تبراز و همدان و مشهد و استرآباد و بندرعباس و بو شهر را ملتیان در قبضه تصرف خود در آوردند * *

بغضایر با حمایت ملین معصم قلعه و بیابان جهت پنجم ژانویه ۱۹۰۹ (دوازدهم ذیحجه ۱۳۲۶) در نغراز خوانین آنها معصام السلطنه و فرغام السلطنه با هزار نفر از متعلقین ر منتسبین خود. شهر اصفهانرا متصرف شده و افواج دولتی را مشغول نمودند * در رشت که واقع در شمال ایران است. آن شخص معروف یعنی سیددار اعظم که چند ماه قبل از آن در تبریز سردار و کاندان افواج دولتی بوده و شهر تبریز را محاصره کرده بود. جنبش ملتیان را معاونت و امداد نمود *

در خلال ماه ژانویه (ماه ذیحجه ۱۳۲۶) سیکمه تبریز در عسرت بسیار واقع شده و بسیاری از آنها از گرمسنگی در شرف مرده بودند و در جزو مشقت با علف (بججه) گذران میکردند تا همان وحشی رحیم خان و افواج دولتی شهر را محاصره کرده بودند. استقامت ایشان در آن محاصره فقط بواسطه امدادها و وعده های یار و عارفت نامحدودی بود که به آنها داده شد که پس از تصرف و تسخیر شهر به آن نائل خواهند شد *

در مولینیکه. ایشان عازم بودند که بجهت تحصیل آذوقه برای اهل شهری یکی از راهها را باز کنند. دو نفر از اتباع خارجه با عزم ایشان شرکت نمودند. یکی از آنها مستر مور (M. Moore) انگلیسی بود که بعنوان وقایع نگاری از طرف چند روزنامه انگلیسی به نیوان آمده و دیگری مستر باسکرویل (M. Baskerville) امریکائی که در مدرسه پسران در تیریز معلم بوده و از حزب دعوتی بوده «پریس پترین» (presbyterian) امریکائی بود (۱) *

مستر باسکرویل در جمله بیست و یکم آوریل کشته شد *

وقتی که کار تحصیل آذوقه بعسرت و نابس رسیده. رأی داده شد که اتباع خارجه از شهر خارج شوند و بفرمانبرمای قشون دولتی اطلاع دادند که آنها را به سلامت عبور دهند ولی تقریباً تمام خارجیها راضی بودند که از مدافع خود صرف نظر نمایند. بیستم آوریل بیست و هشتم ربیع الاول (۱۳۲۷) روسها معصم شدند که به بهانه تسهیل رسانیدن آذوقه و محافظت فونسلطانه تا ورعایای خارجه و کمک نمودن بکسانیکه میخواهند از شهر خارج شوند قشون خود را داخل شهر نمایند *

بیست و نهم آوریل (هشتم ربیع الثانی ۱۳۲۷) عده از قشون روس که مشتمل بر چهار دسته قزاق و سه باطالیون پیاده و دو بطاری توپخانه و یکمشته عمده جات بود. باطراف تیریز رسید و روز بعد وارد شهر شدند. دولت روس ضابطهای موثقی و معتبر داد که اقامت و ساکن بودن آن افواج در تیریز تا وقتیکه که امنیت شهر و محافظت جان و مال فونسلطانه و رعایای خارجه لازم باشد و نیز نمیکرد که از مداخله در امور پلتیکی بکلی اجتناب خواهد نمود *

حیثیحه بدینصورت در من این گونه وارد معمول است. تضاد و مشکلات سختی بین اهالی بومی تیریز و این چهار هزار نفر قشون روس که در داخل و خارج شهر بودند واقع شد. با اینکه امنیت و سلم کامل در شهر عود کرد. وعده خارج شدن روسها ابتدا وفا نشد. در اسدک ماه مارس احزاب ملی دست و پستی از آن راه که بجز خرورای بمزورین و طهران انتقال میداد. تصرف شدند *

بشهر من ایشان خیلی به کندی بود زیرا که منتظر ورود و توأم شدن امواج بختیاری اصحابان از سمت جنوب بودند *

(۱) در پترین شعبه از طرفه را میآید. چیزی می باشد. و ترجم

نتیجهٔ مراسلهٔ رسمی بسیار سخت سفارین روس و انگلیس که در بیست و دوم آوریل بشاه نوشته بودند این شد که شاه مجدداً در دهم مه (نوزدهم ربیع الثانی ۱۳۲۷) وعدهٔ صریح موثقی نمود که مشروطه را معاودت داده و برقرار نماید. لیکن در این وعایبده‌های ملی و مردمی ابتدا بوده‌ای او اطمینان نداشتند و اعتنا نکردند *

هر دو دسته افواج ملی توأماً بجهانبی یای تخیب حرکت نمودند. فوج اصفهان در تحت فرمان مصمصام السلطنه بزرگک بختیار بها بود. قریب بههفتم می برادر جلالک وزیر کش سردار اسعد که از راه خلیج فارس از اروپا مراجعت نموده بود. یا او شریک شد. شاه عده قشونیا برای جلوگیری افواج مزبوره فرستاد *

در این اثنا حرب ملی رشت. شهر فروین را که تقریباً نودمیل طرف شمال (غربی) طهران واقعست تصرف نمودند. اگر چه ایشان در تحت حکم سپهسالار اعظم بودند. ولی روح همتک آن افواج متهاجمهٔ یورس آور را بفرم خان ارمنی میدانستند. فروین بتاریخ پنجم مه (چهاردهم ربیع الثانی ۱۳۲۷) تسخیر و در ششم مه عدهٔ از قزاقان ایرانی یا توب ما کریم در تحت کاندانی «کاپتان زابولسکی» (Captain Zabolzki) روسی برای محافظت تنگه و بل کرج که تقریباً سی میل طرف شمال غربی طهران واقع است از طهران حرکت نمودند. عساکر ملی حدود شان از ششصد نفر هم کمتر بود *

در این موقع سفارت روس دو باره شروع بداخله در این کار نمود و مراسلهٔ تهدید آمیزی بسپهسالار نوشتهٔ مراحهٔ خواهش کرد که بشندگی خود را بطرف طهران ترک و موقوف گرداند *

شازدهم ژوئن (بیست و هفتم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) سوارهای بختیاری که مشتمل بر هشتصد نفر بودند بطرف طهران روانه و جندی بعد بین ایشان و ملیین رشت و قزوین. ابواب مکاتبه و مراسله و استحکام روابط مفتوح گردید. سفارین روس و انگلیس در کار بازداشتن و منصرف نمودن خوانین بختیاری از خیالات و مقاصد شان بودند. ولی بی نتیجه. بیست و سوم ژوئن پیش فر اول این حزب بقم که هشتاد میل سمت جنوب طهران است رسید *

باوجود تهدیدات مکررهٔ سفارین سردار اسعد اظهار داشت که بعضی خواهشها از شاه دارد و نیاز. دانه پیشقدمیش همانطور بجاری بود. دولت روس در آرسایدن افواج ملی کوشش میبارشود و کید آوردن افواج متهاجمهٔ محلهٔ آو رن در بلاد کوبه شروع کرد که بشال

و ۳ توپ فراقها را بکلی بیکبار ساختند. ممتددا کلتک بفر آنها رسید. داور طلبان مجلس با اینکه عدهٔ بسیاری مخالف ایشان بودند، مدافعه شدیدی نموده و ناهفت یا هشت ساعت جنگ را امتداد دادند. لکن اینک آن عبارات از اثر نارنجک و شریطل خیلی خراب شده و آنها آنیکه در آن بودند با مقتول و یا گرفتار و با فرار نمودند *

بسیاری از ملتپای معروف گرفتار و ایشان را با حبس و با خفه نموده و بعضی دیگر که دولتیان در عهده دستگیر نمودن آنها بودند، قرار کردند. « کرنل ایخف » و ناپین هایش تا چند روز خانه های اشخاصی را که مشور شاه بودند، تیار و غارت میکردند. دواتر مجلس را هم ضایع کردند. « کرنل ایخف » با اینکه مأمور نظامی روس و لباس به لباس روسی و موجب بیکار از دولت ایران بود، محاکم حقیقی با اقتدار طهران گردید. کابینه روس با نقاد بهائیکه انگلیسم و سازار و وایاها از اقدامات و مداخلات وی و اعمال « ایخف » کرده بودند، بکلی انکار و تخلفی نمود و معتذر شد که اقدامات کرنل مزبور بکلی در تحت احکام شاه و مجری امر او بوده است. دلایل و شهادتهای بسیار موجود است که ثابت میکند که ایخف در واقع، نقشهٔ تخریب مجلس و اساس مشروطه را بر حسب اراده و میل جماعتی از ارتجاعیون که دوزخ دور اسراخور روس در پلر سبرک بودند و « سیو » در « نوبک » وزیر مختار روس در طهران نوآغازیانی از آنها بود، بوقع اجرا گذاشتند *

در خلال این حال شورش در ولایات، خصوصاً در رشت و کرمان و اصفهان و تبریز شروع و اهالی تبریز خلع شاه را اعلان داده و از آنجا يك دسته سیصد هری حوار بطهران فرستادند که از مشروطه حمایت نمایند *

در این زمان آمد واری استرداد و عود حکومت مشروطه در طهران خیلی ضعیف شده بود. جای تعجب نیست از اینکه مردم طهران قطع امید از رویای خود را احساس نمودند *

همان روز که « کرنل ایخف » در طهران متغیر گلوله ریزی مجلس بود در تبریز که دویم تهرانیان مشارک بین ملتپایان و دولتیان در بازارها چاک شروع شده، سکندریه، رشت، زنجان که محمد علی شاه و امجد و حاکم ایالت آذربایجان بود، او را بخوبی متقاعد و از وی منفرد بود *

تاده ما بعد از تخریب مجلس، مشروطه طلبان تبریز دو حاد فتنه عسرت و که حکم در تهران می بردند. نوآین گران که کین و مملوحت با دولتمندان بود، تا آنکه همه آنها را

از شهر خارج کردند. او آخر به سبب مسدود شدن راه ها و محاصره کامل شهر دو چار
نقطه و غلا شدند. در اکتوبر ۱۹۰۸ (رمضان ۱۳۲۶) شهرت نمود که روسها به پهنه
اینکه فونسل تیریز احتمال وقوع خطر سختی برای ارواژیهای آن شهر میدهند. اراده فرستادن
قشون برای مداخله در تیریز دارند. ولی حقیقت امر مکشوف شد که امسیر بوخیشا نوب
(M. Pokhitonoff) با دولتیهای آذربایک کرده که اسلحه و قورخانه بمتون دولتی رسانده
افواج ملی برای احترام و محافظت جان و مال اتباع خارجه خیلی سعی و احتیاط میکردند و
تعداد کفای از ارواژیها را به اثبات این امر در دست است که در زمان تسلط حکومت
مشروانه در آن محل، نظم کاملی فرماز و ای بود *

یازدهم اکتوبر (چهاردهم رمضان ۱۳۲۶) چهارصد نفر فراق ایرانی با چهار نوب، در
تحت فرماندهی افسران روسی بر بگاد فراق، برای مدافعه و انتقام از طهران به تیریز روانه
شدند. ولی تا دوازدهم اکتوبر ملتبان بکلی تمام شهر تیریز را تسخیر و قبضه نموده بودند *
او آخر نوامبر (اوایل ذیحجه ۱۳۲۶) با وجود ورود فزائنها یا نوب، برای اعصاب
محاصرین شهر، ملتبان تیریز متواترا فتوحات میکردند. مابین سایر ابالات فرصتی برای
تکبیل نقشه های جنگی خود بدست آورده و در ظرف چهار ماه بعد از آن بمقصود خود نائل
شدند. رشت و اصفهان و لاروسس شیراز و عمدهان و مشهد و استرآباد و بندر عباس و
بوشهر را مدیان در قبضه اشرف خود در آوردند *

بختیار با حمایت مبین مصمم شده و به همین جهت پنجم ژانویه ۱۹۰۹ (دوازدهم ذیحجه
۱۳۲۶) دو نفر از خوانین آبا صمد ام السلطنه و فرستام السلطنه با هزار نفر از متعلقین و
متمسکین خود شهر اصفهانرا متصرف نموده و افواج دولتی را متفرق نمودند *
در رشت که واقع در شان ایران است، آن شخص معروف یعنی سهدار اعظم که چند
ماه قبل از آن در تیریز سردار و کاندان افواج دولتی بوده و شهر تیریز را محاصره کرده بود
جنبش ملتبان را معاونت و امداد نمود *

در خلال ماه ژانویه (ماه ذیحجه ۱۳۲۶) سکنه تیریز در عسرت بسیار واقع شده
بسیاری از آنها از گرسنگی در طرف مردن بودند و بر جرد و مسقت با علف (بیجه) گذران
میکردند. اعیان و حش رحیم خان و افواج دولتی شهر را محاصره کرده بودند. استقامت
ایران در آن زمان فقط بواسطه امداد و رها و وعده های پیاپی عارث نامحدودی بود که
به آنها میرسید. پس از تصرف رشت شهر به آن نائل مراعتند. * *

در مومبیکه، ملتیان عازم بودند که بجهت تحصیل آذوقه برای اهل شهر یکی از راهها را باز کنند. دو نفر از اتباع خارجه با عزم ایشان شرکت نمودند، یکی از آنها «مستر مور» (Mr. Moore) انگلیسی بود که بعنوان وقایع نگاری از طرف چند روزنامه انگلیسی به ایران آمده و دیگری «مستر باسکرویل» (Mr. Baskerville) امریکائی که در مومبیکه و حران در تبریز معلم بوده و از عجز و دعاة طریقه «پرس بترین» (Pars byerian) امریکائی بود (۱) *

مستر باسکرویل در حماد بیست و یکم آوریل کشته شد *

وقتی که کار تحصیل آذوقه بعسرت و یأس رسید. رأی داده شد که اتباع خارجه از شهر خارج شوند و بفرمانفرمای نشون دولتی اطلاع دادند که آنها را به اقامت عبور دهند. ولی تقریباً تمام خارجهها راغبی بودند که از مدافع خود صرف نظر نمایند. باسکرویل بیست و هشتم ربیع الاول (۱۳۲۷) روسها معصم شدند که به بهانه تحصیل رسانیدن آذوقه و مدافعات مونسکانهها و رعایای خارجه و کمک نمودن بکمانیکه میزراهند از شهر خارج شوند. قشون خود را داخل شهر نمایند *

بیست و نهم آوریل (هشتم ربیع الثانی ۱۳۲۷) عده از قشون روس که مشتمل بر چهار دسته قزاق و سه باطالیون، ساد و دو باطری توپخانه و یک دسته عمده جات بود، باسراف توری رسیده و روز بعد وارد شهر شدند. دولت روس ضائقهای مواتق و معیر داد که اقامت و ساخلو بودن آن افواج در تبریز تا وقتیکست که امنیت شهر و حفاظت جان و مال قوا را اذیت و رعایای خارجه لازم باشد و نیز تمهید کرد که از مداخله در امور کشیک بکلی اجتناب خواهد نمود *

حاجت همیشه در متن این گونه موارد معدول است، اهداف و مشکلات سختی، بان اعدای بیوفی، بریز و این چهار هزار نفر قشون روس که در داخل و خارج شبر بودند و رفع شد، با اینکه امنیت و نظم کامل در شهر عود کرد. وعده خارج شدن روسها ایجاب و فغان شد. در مشهد ماه مارس از آب علی رست، مساحتی از آن راه که بهمین خرد را از وین و طهران انسان بردند، مدرک شدند *

تبریزین ایشان خیلی کندی بود، زیرا که منظر ورود و توأم شدن افواج میزراحت

احقباقی است، بهر سبب بودند *

تعیید مراسله رسمی بسیار سخت سفارتین روس و انگلیس که در بیست و دوم آوریل بشاه نوشته بودند این شد که شاه مجبور در دهم مه (اوزدهم ربیع الثانی ۱۳۲۷) وعده صریح موثقی نمود که مشروطه را معاودت داده و برقرار نماید. لیکن این وعده های ملی و مردمی ابداً بوعده های او اطمینان انداخته و اعتنا نکردند *

هر دو دسته افواج ملی عموماً بجانب پای تخت حرکت نمودند. فوج اصفهان در تحت فرمان صحمام السلطنه بزرگ بختیار بها بود. قریب بیستم می برادر جلالک وزیر کش سردار اسعد که از راه خلیج فارس از اروپا مراجعت نموده بود، یا او تبریک شد. شاه عده قشونی رای جاوگیری افواج مزبور فرستاد *

در این اثنا حرب ملی رشت، تبریز و قزوین را که تقریباً نمودن میل طرف شمال (غرب) طهران واقع است تصرف نمودند. اگر چه ایشان در تحت حکم سپهسالار اعظم بودند ولی روح مهولک آن افواج متوجه پورش آور را بفرمان خان ارمی میدانستند. قزوین بشاریخ پنجم مه (چهاردهم ربیع الثانی ۱۳۲۷) تسخیر و در ششم مه عده از قزاقان از پای با توب ما کزیم در تحت کاندالی «کاپتان زاپادسکی» (Captain Zapadski) روسی برای محافظت تنگه و پای کرج که تقریباً سی میل طرف شمال غربی طهران واقع است از طهران حرکت نمودند. عساکر ملی عددشان از ششصد نفر هم کمتر بود *

در این موقع سفارت روس دوباره شروع بداخله در این کار نمود و مراسله تهدید آمیزی بسپهسالار نوشته صلاحاً خواهش کرد که استغفامی خود را بطرف طهران نرود و مؤوق گرداند *

شاردهم ژوئن (بیست و هفتم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) سوارهای بختیاری که مشتمل بر هشتصد نفر بودند بطرف طهران روانه و خدی بد بین ایشان و ملین رشت و قزوین، ابواب مکاتبه و مراسم و استحکام روابط مفتوح گردید. سفارتین روس و انگلیس در کار باز داشتن و تصرف نمودن خوانین بختیاری از میلات و مقاصد شان بودی ولی بی نتیجه شد. بیست و سوم ژوئن پیش فر اول این حزب بم که هشاد میل سمت جنوب طهران است رسید *

از حدود ابتدیات مکرره سفارتین سردار اسعد نظر داشت که بعضی خواهشها از شاه ناید و این استغفامی هر انطور بفرای برد دولت روس در ترسانیدن افواج ملی کوشش می نمود. در آوردن افواج مشاجره آید در این کوبه شروع کرد که بشمال

ایران بفرستد *

در این موقع شهرت نمود که پنجهزار نفر افواج شاه در سلطان آباد متوقف و هزار و سیصد و پنجاه نفر هم قزاقی در طهران بودند که هشتصد نفر آنها در شهر در تحت فرمان « کورنل لیاخف » و سیصد و پنجاه نفر در شمال رای تحت (در سلطنت آباد بیلاق سلطنتی) و دویست نفر هم سمت جنوب پای تخت . منتظر ورود بختیارپا بودند . سوم ژویه (چهاردهم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) فوجی که در کرج بود بطرف شاه آباد که شانزده میل یا طهران فاصله دارد عقب نشست و روز دیگرش هم يك متقابله و جنگ مختصری بین آن افواج و ملیتان که پیش بی آمدند واقع و از طرف ملیین دوازده نفر مقتول و از قزاقهای ایرانی که با سه عراده توپ در تحت حکم کاپتان « زرا پاسکی » و دو نفر افسر نظامی « نان کیشن » روس بودند (۱) و يك صاحب منصب ایرانی و سه نفر نایین مقتول و دو نفر مجروح گردیدند *

در خلال این منازعات دولت روس موقع را مستقیم شمرده و متوالیا دسته جات افواج خود را از آباد کوبه بسمت ایران حرکت میداد . تا هشتم ژویه (نوزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) تقریباً دو هزار نفر از آنها وارد ایران گردیده و یازدهم ژویه (بیست و دوم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) بقزوین رسیدند . سفارت روس ملیتان اعلان نمود که اگر یکقدم بطرف پایتخت بیشتر بگذارند باعث مداخله خارجه خواهد شد *

کوشش و اندیشه دیگر برای ترسانیدن و شرف ساختن سرداران ملی بکار برده ولی بی نتیجه ماند *

دهم ژویه (بیست و یکم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) تصادی بین بریگاد قزاق و بختیارپا در بادامک که یازده میل طرف غربی طهران است واقع شد . ولی نتیجه صحیحی نه بخشید و این جنگها تا دو روز متوالی جاری بود . یازدهم ژویه (بیست و چهارم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) هر دو دسته افواج ملی از بین اردوگاه بریگاد قزاق و سایر افواج دولتی بچالاکلی بارک توده و گذشتند و خصم را بواسطه این حرکت مات نموده و ساعت شش و نیم صبح بی خبر وارد طهران شدند . چنانکه این حرکت بدون شك نتیجه خیالات و اقدامات بفرم خان سابق الذکر بود *

(۱) نان کیشن صاحب منصبان نظامی را گردید که از درجه بیست سر بازی با نایین

شروع بخدمت نمود و ترقیات آنها هم محدود است (منرجم)

تمام آن روز در بازارها و معابر طهران ، ناله جنک مشعل و مردم شهر با جوش و خروش بسیار، جنود و احزاب ملی را استقبال و معاونت نموده و سیزدهم ژوئیه (بیست و چهارم جمادی الثانیه) را روز نجات و خلاصی خود نام استبداد میدانستند . روز دیگر بر پیچاد قزاقی در تحت فرماندهی کرنل « لیاخف » ، در قراقلخانه خود و میدان مشق که وسط شهر است محصور شده . کرنل روسی سرانجام به پهلدار که سردار افواج ملی بود نوشته و شرایطی برای تسلیم بر یگانده قزاقی پیش نهاد نمود . با اینکه تا آنوقت بر یگانده قزاقی هنوز میدان مشق را از دست نداده بود . افواج ملی در تمام مدت آن انقلابات به نهایت جواشردی و حزم و مآل اندیشی رفتار کردند . هفدهم ژوئیه (بیست و هشتم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) پای تخت را کاملاً بقبضه تصرف خود در آوردند *

ساعت هشت ولیم حج سازدهم ژوئیه شاه پادشاه پزنگی از افواج و همراهیان خود در سفارت روس در زر گنده که چند منزل خارج از شهر است متحصن و بدین طریق گو با از سلطنت مأیوس گشته و کناره گیری اختیار نمود . ولی قبل از اقدام به آن حرکت فضیلت و تصویب سفارت روس را راجع به آن امر تحصیل کرده بود . از وقت ورود شاه تا انقضای مدت اقامتش در سفارت ، بر قهای روس و انگلیس بر عمارت وزیر مختار روس نصب کرده بودند . در این موقع کرنل لیاخف خود را بافسران ملی تسلیم و وسما و الازمت و خدمت دولت جدید ایران را قبول و تعهد نمود که در تحت احکام وزیر جنک دولت مشروطه صرفیاً بشغل و خدمت خود مشغول باشد *

دیری از شب گذشته بود که مجلس فوق العاده در محوطه بهارستان منعقد شده و شاه را رسماً خلع نموده و جانشینی پسرش سلطان احمد میرزا را که دوازده ساله بود بجای وی اعلان و عهد الملک را که رئیس محترم ایل قاجاریه بود ، به نیابت سلطنت انتخاب نمودند . شانزدهم ژوئیه ۱۹۰۹ (بیست و هشتم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) ادعای مشروطیت ایران که علی الظاهر از دست رفته بود ، دوباره دفعهء اولیاً اودست نمود . بواسطه اظهار جرأت و وطن پرستی و هنر مندی سر بازان ملی ، امید واریهای آنها نسبت بدولت جدید انتقایی ، یکسویه حاصل شده و عود کرد . بین کبخه فوری (هیئت مدیره) که از طرف دولت مشروطه تشکیل شده بود و سفارتین روس و انگلیس ، مبادلات کثیف و بیفایده بسیاری راجع بشرايط ذیل واقع شد :-

اولاً : محمد علی شاه مغایع از ایران خارج شده و آن ممالکت را ترک گوید *

ثانیاً: جواهرات سلطنتی را که با خود برده رد نماید *

ثالثاً: قرضهائی که نموده ادا کند و املاک شخصی خود را که رهن گذارده، باین احتیاط

که عبادا سره واه های مذکوره بدست روسها بیفتد، تفکیک رهن به نماید *

آخر همه وظیفه سالانه او بود، هفتم سبنا میر (بیست و یکم شعبان ۱۳۲۷) قرارداد های مزبور در تصفیه و تسویه شده «بروتوکالی» (صورت مجلسی) که حاوی شرایط مذکوره بود، بین نمایندگان دولتین روس و انگلیس و فریق دیگر با مضا رسید، وظیفه شاه بخارج سالی تقریباً هشتاد هزار «دالر» (معادل صد هزار تومان) معین شد، همه سیناه و رتبه شاه یا نواده و متعلقینش (بمراهی تزارهای روسی و سوارهای هندی سفارت انگلیس) از سفارت خانه روس بیرون آمده و بعزم ادسا بطرف بحر خزر رهسپار گردید. اوله اکتوبر (پانزدهم رمضان ۱۳۲۷) از ساحل ایران سوار کشتی شده و بطرف یاد کوبه روانه شد، از یاد کوبه تا ادسا یا قطار راه آهن مخصوص که از بجانب دولت روس معین شده بود رفت *

هیجدهم ژوئیه (بیست و نهم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) نائب السلطنه در سلطنت آباد پشاه جدید تبریک گفته و در بیستم ژوئیه (دوم رجب ۱۳۲۷) شاه وارد پای تخت شد و برای پذیرائی و احترام او جر افتائی تالیانی بعمل آمد، جلدی بعد از آن دولتین روس و انگلیس قانون مشروطه جدید را رسماً قبول کردند *

هیئت مدیره ملی شروع با انتخاب اعضاء کابینه نموده و نظم بولیس شهر را بمرحمان سپرد *

مطابع و جرائد آزادی که در دوره اولیه مجلس بوده و بعد از انفصال مجلس توقیف شده بودند آشکارا شدند در اکتوبر بعد (بین رمضان و شوال ۱۳۲۷) انتخابات وکلا، مجلس کاملاً بعمل آمد، بیست و هشتم همان ماه (سیزدهم شوال ۱۳۲۷) جمعیت و جوار نفر از وکلا در طهران جمع و حاضر شدند گویا عدد وکلا سه نفر بیشتر از حد نصاب مقرر بود *

پانزدهم نوامبر ۱۹۰۹ (عزله دین محمد ۱۳۲۷) مجلس جدید رسماً افتتاح و تشکیل یافت نمایندگان تمام اصناف در آنجا حاضر بودند، سپهبدار سرپرست الوزرائی و وراثت چه معین شد ز او بود که تمامی شاه را قرائت نمود *

در ابتدای آن اوقات عده کثیری مساکر در روس و فرانس و دولت و سلاطین

مختلفه دیگر شمالی ایران پیام داشتند، ملتیان وجود آن چنود را امضاء سلب امنیت و اطمینان زیاد دانسته و نسبت بمقاصد و اغراض حقیقی دولت روس سوء ظنی کامل داشتند *

مجلس و کابینه جدید با کثرت حوادث و موانعیکه دوچار شده بودند با جرأت تمام مستعمل به اعاده موجبات نظم و انتظام پولیس و وصول مالیات شده و سعی در امنیت و محافظت جان و مال رعایا نمودند، بی مایه در آن زمان مملکت در حالت پریشانی خطرناک و اغتشاش فوق العاده و بدتر از همه پریشانی و بی نظمی امور مالیه و فروض سنگین دولت ایران با جانب بوده که او را احاطه کرده بود *

يك «جنتلین» (مرد محترم شریف) فرانسوی «مسیو بیزو» (M. Bizot) آنوقت مستخدم دولت ایران بوده که در امور راجعه مالیه دولت جدید ایران را معاونت نماید و ولی در مدت دو سال که در طهران اقامت داشت هیچ امری را تصفیه و اصلاح نکرده و حالات از بد بدتر شد و یکی از بدبختیهای ایرانیان این بود که وطن پرستی و احساساتی که بسیاری از ملتیان با جرأت ایران را محرک شده بود که برای خلع شاه بپننگند و آن متانت و وقار رسیده بود که در زمان فتح خود بکار بردند نمیتوانست کفایت از پریشانیهای خزانه دولتی و منع از قلب و رزوه و بی وفیائی نماید جای هیچگونه شك نیست که مشروطه طلبان و انفعاء مجلس با خزانه خالی و فروض بسیار سنگین با جانب و کسر ماخذیکه درمخارج دولتی بسرعت تمام ترقی مینمود و ویرانیهای استبداد که تعمیر آن لازم بود عازم و مصمم شده بودند که طریقه و مسلك جدیدی اتخاذ کنند که ملت و حکومت جدید خود را از براگندگی و پریشانی صریح که باعث و عین آنها میشد محفوظ بدارند *

با وجودیکه ملین شاه ماضی را پس از نص عهد مکروه و تخلف از قسمهائیکه برای حفظ اساس مشروطه و حقوق صادقاته ملت خورده بود مبالغه و از مملکتش تبعید کرده و بمقصود خود مشغولانه نائل شدند امیدوار بهای آینده شان برای تشکیل دولت مستقل منظم چندان فعل اطمینان و قابل اعتماد نبود بواسطه بی مدگی خیالات همجو مملکتی از حدیث ملیت رعایت احترام و حمایت اکثر ایرانیان و مسدود کردن بهانه مداخله دول اجنبیه متحابه در امور داخلی که ادعای داشتن اغراض مخصوصه در آن مملکت مینمودند لازم بود از زمان سلاطین سلف کارهای حکومتی دولت ایران عموماً و امورا اداره مالیه خصوصاً بجدی بریشان و از هر جنبه بزد که در خارج اعتبار استغراض داشت و نه در داخل بی

یوتیبی و برپشانی که آنوقت در امور ایران راه یافته بود وطن پرست باجرائی از طبعات
 زیرک مردم لازم بود که دولت را از مغالک برپشانی نهد و ویرانی خلاص نماید نه فقط
 مشکلات و موانع داخلی امپدولری ایرانیان را فرین یاس ساخته بود بلکه مخالفت علی
 روس و بیعتاکی مضرت پیش انگلستان از رد کردن و برهم زدن نقشه و تدابیر ظاهره
 روس بخلاف کامپانی دولت مشروطه مزید بر آن گردیده بود با اینجهت دولت مشروطه
 جدید از اول دوجار روابط فوق العاده غریبی با بعضی از دولت اجنبیه شده بود که آن
 تعلقات و روابط را بدون رعایت حقوق ملو و سلطنتشان بجز با آنها قبولایندد بودند *

رعایای فقیر ولایات در تحت حکمرانی هر حکومتی مجبور به نأدیه مالیات خود بودند
 در صورتیکه يك دينار از آن مالیات هیچگاه بصرف فوائد شان بصروف غنی شد و همیشه
 شکار قطاع الطريق بیگانه و خودی یعنی صاحب منصبان و مأمورین دولتی که تقدیر
 آنها را مسلط کرده بود می بودند خود مردم نمیتوانستند تا درجه و مدعی حقوق خود را
 که از حد رعیت بودن سلطنت مشروطه ایران باید به آنها عاید شد ادراک کرده و احساس
 میزان مسئولیت کسانیا که میخواهند طریقه حکومت دموکراتی آزادی را تاسیس کرده
 بنمایند لکن شدید ترین خطر آنها این بود که قبل از آنکه آنها بتوانند تریست و تمدن
 کافی که قابل فهمیدن این مسائل گرداند تحصیل نمایند بملکت آنها تا بد از نقشه ملل
 سلطنت مستعبله محو میشد پس مسئولیت بسیار بزرگ سنگینی با ایرانیهای زیرک و عالم تعمق
 گرفته بود که در ظرف این هیجده ماهه مد از خلع شاه مخلوع در آن دوره مسلک جدید
 دارای اقتدار و مناصب با اثر شده بودند بهمان اندازه که ملت ایران چشم داشت و توقع
 محافظت حقوق خود در دوره استقرار سلطنت مشروطه داشت بهمان درجه مأمورین و
 صاحبمنصبان هم مناصب تازه تحصیل نموده وسیله ثرقی خود قرار میدادند و این امر هم
 چندان غرابتی نداشت زیرا که مطابق رسوم معموله قدیمه بملکشان بود *

چنانکه سابقا ذکر شد عده کثیری از انواع روس و انگلیس بتقاط مختلفه شمالی ارا
 فرساده شده بود اگرچه دولتین روس و انگلیس در دواظهار کرده بودند که بجز دریکه
 خطرات محتمله است بمال و حقوق اتباع خارجه مرتفع شود و احتیاج تحافظت آنان نباشد
 مگر آنها را معلودت دهند *

از یکطرف ورود آن انواع و از طرف دیگر آشناسانات محلی که همیشه اضطرابان
 پلیسکی را در دیان داشت چنانچه در طرف حارسان گندسه در ایران مسرود گشت

اشکالات مترانده نازده به سلطنت مشروطه تعیین و دوجار گردید در سپتامبر ۱۹۰۹ آن دزد معروف یعنی رحیم خان به اودینل که در شمال ایران واقعت حمله برده و دولت روس حرکت او را فوراً اسباب بهانه خود برای آنکه افواج زیادی به آن حدود بفرستد قرارداد و برگردانیدن افواج ساحلوی قزوین را که وعده کرده بود بکلی بپسند. تاخیر انداخت دولت ایران بصورت شد مبالغ کلی برای مصارف قشونیکه بجهت مقابله رحیم خان فرستاده بود متضرو شود لیکن بیست و چهارم ژانویه ۱۹۱۰ (یازدهم محرم ۱۳۲۸) بواسطه اقدامات قشونیکه در تحت فرمان یفرم خان بودند رحیم خان بطوری تصور شد که راه فرارش متعصر بصورت از سرحد روسیه بود دولت روس بغالفت و استنکاف صریح با ماده چهاردهم عهد نامه ترکان جای راه داد که داخل روسیه شده و از تعاقب قشون ملی محفوظ ماند و تا ژانویه ۱۹۱۱ (محرم ۱۳۲۹) همانجا بوده و پس از آن دو باره به زیر مراجعت نمود که باعث خرج و اشکال تراشی برای دولت مشروطه بشود *

در دو ماه (بین ریح الثانی و جمادی الاول ۱۳۲۸) یکی از شهزادگان ایران داراب میرزا نام که بعنوان تبعیت روس در مملکت روسیه مشوطن شده و در زمان قرائت روسی ساحلوی قزوین صاحب منصب بود سعی کرد که شاید بتواند دولت مشروطه را مطلوب نماید با وجود برنست و تعرضات ایرانیان که خواستند خودشان آن انقلاب را تسکین دهد افواج روسی مداخله کرده و در صورت ظاهر همچو وانمود کردند که داراب میرزا را خود شان گرفتار و محبوس خواهند نمود در موقعیکه ستارایه بهراهی روسها مراجعت قزوین مینمود سر بازان روسی در بین راه با قشون ایران که برای گرفتاری او فرستاده شده بودند ملافی شده و روسها به آنها تسلیم کرده و بیک صاحب منصب ایرانی را که سر کرده آندسته بود کشتند اگرچه روسها از شرکت در برانگیختن آن خانه جنگی انکار و تخلف نمودند ولی ثابت شد که یک کرنل روسی در قزوین به سرکاه و معاونین داراب میرزا نامین نامه که امضا و مهر کرنل داشت داده و در نوشته مروره اظهار داشته بود که حاملین این ورده در تحت حمایت امر اطور روس میباشد و تهدید کرده بود که اگر اتباع ایران به آنها یا به همراهان شان حمله نموده و یا متعرض شوند مورد تیریه و سیادت سخت خواهند شد *

در نوربه ۱۹۱۱ (صفر ۱۳۲۹) عساکر روسی اهالی قریه وارمونی (Warmuni) را که در حدود آستارای ایران واقع است قتل عام و تعصت آنرا که زبان و اطفال هم جزو آنها بود مقتول نمودند *

در خلال این حائ دولت ایران مصمم شد که خیال استقراضی را که در دسامبر ۱۹۰۹ (پن دینفده و دینفصه ۱۳۲۷) آغاز کرده بود بفعلیت و انجام رساند یعنی موازی دو میلیون ولیم «دالر» (تقریباً پنج کرو و نیم تومان) از دولتین روس و انگلیس قرض نماید لکن شرایطیکه آن دو دولت میخواستند به بیانه استقراض بدولت ایران تحصیل نمایند چندی خطرناک و مخرب اساس آزادی بود که مجلس مجبور شد صرف نظر نماید چندی پس از آن دولت ایران برای انجام ارضه با یک بانک «بربوت» (مخصوص) لندن شروع مذاکره و مواصله نموده و نزدیک بود که شرایط سهل و ساده که مفید بحال طرفین بود انجام بگیرد غنای دولت انگلیس در اکتوبر ۱۹۱۰ (مطابق شوال ۱۳۲۸) پسرهای روسها آن معامله را خاتمه داده و بکلی اقدام دولت ایران را در این استقراض و رهن دادن جواهرات سلطنتی بی نتیجه و خشتی نمود آن اوقات دولت روس علناً کوشش میکرد که چند فقره امتیاز همیشه از پارلمان ایران به نرخ خارج کردن قشون خود از حدود شمالی ایران تحصیل نماید روی هم رفته سلوک و رفتار آن دو دولت با دولت ایران بوضع نامهربانی بلکه خصومت بسیار سختی بود در سنت بطرسبرگ جماعت متهوری از مأمورین دولت روس نفوذ و اقتدار بسیاری پیدا کرده بودند مثلاً شخص (بوختیانوف) فونسن تیریز نمونه خوبی از آن مأمورین بود و بواسطه آثریک و سازندهای خونین و مخالفت و مخالفت شدید با دولت مشروطه ایران مشرب و تهاز گردیده و بتنصب جنرال فونسل طهران منصوب و منتظر شد بواسطه مسلکی که دولت روس نسبت به اهالی ایران اختیار و اتخاذ کرده بود دولت انگلیس تا نزد هم اکتوبر ۱۹۱۰ (دوازدهم شوال ۱۳۲۸) آن اولتیماتوم مشهور خود را راجع شکایات از عدم امنیت و اختشاش شوارع و معابر بدونی و طری شجارتی آن حدود بدولت ایران اظهار و درخواست نمود که عده از صاحبان بیان نظامی فوج انگلیسی عهد را در تحت نظارت خود برای نظم و ترتیب و سنجظیان آن خطوط کماتنه و مصارف را از عایدات گمرکی ایران وصول نمایند این اقدام مورت اضطراب و باعث تعرض شدیدی در مملکت ایران و عثمانی گردید و از طرف بعضی عناصر مسلحان اظهار آمله و سبیه تا کرات به امر اطوار آلمان اظهار و ار او خواهش کردند که دوستی خود را نسبت به سلطنتان ظاهر دارد نتیجه مخصوصی که علی الظاهر از شرکت و دخالت دولت آلمان در امور سیاسی ایران حاصل شد این بود که معاهده بونسدام در رعیت جاری گشته و انجام نوامبر ۱۹۱۰ (دوم دینفده ۱۳۲۸) تکمیل و باعث حیرت و تعجب مواجین فراسه و مکالمین گردید

(۱) * نتیجه که از اتفاتی دولتی روس و آلمان ملت ایران عاید گشت آنچه از مواد عهدنامه ظاهر شد و نیز آنچه عموماً پس از آن شهرت یافت موافقت سری عجیبی بود که دولت روس را در اتخاذ آن سلوک سخت بدون خوف و احتیاطی از مداخله یا تعرض معناداری از جانب شریک خود در معاهده ۱۹۰۷ که مبنی بر وضع سلوک انگلیس و روس نسبت به ملت ایران بود قادر نمود *

بیست و نهم اکتوبر ۱۹۱۰ (بیست و پنجم شوال ۱۳۲۸) حسینقلیخان وزیر امور خارجه آنوقت ایران بهسارتین روس و انگلیس اطلاع داد که چون دولت ایران از بعضی مراسلات صدر آمیزانه و عهد شکنانه شاه مخلوع با روسهای طوایف ترکانه (در حدود شمال شرقی ایران) مطلع شده است موافق مواد و شرایط «پرو نکال» (صورت مجلس) بیست و پنجم اوت ۱۹۰۹ (هشتم شعبان ۱۳۲۷) مصمم شده است که توسط آئینده وظیفه شاه را مسدود و مقطوع نموده تا تحقیقات لازمه بعمل آید آن دو سفارت نه فقط انکار از توجه و اعتناء بآن خواهش منصفانه نمودند بلکه وزیر خارجه ایران را بواسطه مأمور کردن نوکرهای سفارت با ایاس رسمی که بر درب خانه او ایستاده و در هر جا همراهی باشند تا وقتی که بولار او وصول نمود در معرض توهین ذلت آمیزی در آورند این اقدام مطابق قوانین دیپلماتیک و توهین بی نظیر و دور از انصافی بود یک ماه بعد از آن وزیر مختار روس از همان وزیر امور خارجه درخواست و عطایه نمود که برای توهینی که بگذاشته قونسل روس در شهر کاشان شده باید عذر خواهی رسمی نموده و ترضیه سفارت بعمل آید آن گزاشته روس ایرانی و مردم بسیار بد نالی بود که دولت ایران در استخفافش اعتراض سخت کرده بود حسینقلیخان بعد از تحمل خفت و توهین معذرت طلبت شد که غرض اصلی آن دو دولت، خلع او از وزارت خارجه بوده است اس مجبور با استعفاء شده و یکماه بعد از آن استعفی گشت در این اثناء شاه مخلوع علی الظاهر بعنوان مسافرت پارو یا برای حفظ الصحه خود و در حقیقت برای نقشه کشی و مقابله نمودن دولت مشروطه از افسا خارج گشت و عاقبه الامر بوزن او با موج مسلحی بجایه ایران در ماه ژوئیه شده بعد (رجب ۱۳۲۹) منجر گردید اول فوریه اول صفر ۱۳۲۹ در شهر اصفهان یک صاحب منصب معزول شده بولیس حاکم مشروطه آنجا را بجر و جرم و بر عمومی او را متنون نموده و در فزائی خانه روس منحصر گردید پنج روز بعد (پنجم

صفر ۱۳۲۹) صنایع الدوله وزیر مالیه ایران در خیابان همویی طهران بگلوله دو نفر کریمی
 مقتول و گریه‌های مزبور چهار نفر پولیس ایرانی را نیز قبل از آنکه دستگیر شوند مجروح
 نمودند. مأمورین قونسل خانه روس فوراً از استنطاق و تحقیق دولت ایران در آن قضیه
 امتناع نموده و قائلین را تحت الحفظ خود از ایران خارج نموده و وعده و تعهد نمودند که مشار
 الیه‌ها را از ونا کثیر خواهند داد. بعد از آنکه عضد الملک نائب السلطنه اول در بیست
 و دوّم سیاهبر (هفدهم رمضان ۱۳۲۸) فوت نمود هشتم فوریه (هشتم صفر ۱۳۲۹)
 ناصر الملک نائب السلطنه جدید وارد طهران گردید. بکام پس از ورود ایشان افواج
 ساخلوی قزوین روسی باستثنای هشتاد نفر قزاق که در همانجا ماندند از قزوین خارج
 و شهرت نمود که خارج شدن افواج مزبوره برای رعایت احترام ایشان بوده است *
 اکنون وقایع مزبوره منتهی ب ورود مستشاران مالیه امریکائی میشود *
 امضا - دلیو . ام . اس (W. A. S.)

— * باب اول * —

در تصویب دولت ایران انتخاب و جلب مستشاران مالیه از امریکا و آمدن نشان بطهران در دو ماه نوامبر و دسامبر ۱۹۱۰ (دوماد ذیقعد و ذیحجه ۱۳۲۸) و کلاه مجلس شورای ملی ایران در باب انتخاب و جلب مستشاران مالیه از امریکا بحث و مذاکره بسیار نمودند بدین ملاحظه و امید که عمال و کارکنان آن دولت از آرایش اثرات اروپائیان و دیگران بوده و بخوبی میتوانند از تجدید تشکیل خزانه ایران که بی صاحب و بی نظم و در حالت نکیبت قدیمه بود نتایج عملی تحصیل کنند *

وقتی که غلبه و اکثریت آراء باین انتخاب فرار گرفت کابینه دولت ایران بتوسط حمیدقلیخان وزیر امور خارجه بیست و پنجم دسامبر ۱۹۱۰ (بیست و دوم ذیحجه ۱۳۲۸) تلگراف ذیل را بسفیر ایران معین و اشنکنتون بخاربه نمود:—

واشنکنتون : سفارتخانه ایران فوراً به (پیشکار رسمی (۱)) وزیر خارجه دولت امریکا اظهار نماید که شمارا با کسانیکه در امور مالیه امریکا مهارت نامی دارند معرفی نموده و مذاکرات ابتدائیه را برای استخدام بکنفر خزانه دار کل که از مردمان کافی و کار دان و آرایش امریکا و امین و موثق باشد بجهت تجدید تشکیل و پیشرفت و نظم جمع و خرج مالیه ایران بحدت سه سال بعمل بیاورد و نیز بکنفر مسئولی و محاسب ماهر و بک همیز برای نظارت و تعیین میزان لازمه مالیات ایالات و بکنفر رئیس برای اداره کردن و انفیذ مالیاتهای مستقیمه بمعاونت بکنفر مفتش کاروان که دارای صفات همیز سابق الذکر باشد لازم ولی قبول مشارالیه منوط به تصویب مجلس خواهد بود وزیر مختار امریکا نیز اطلاع

(۱) مراد از پیشکار رسمی صاحب منصبی از وزارت خارجه است که مراسلات و انظارات دولت مخصوصی را بدولت متبوعه خود رسانیده و بتوسط مشارالیه در آن باب مذاکره می شود چنین ماموری را در ایران مدیر تحریرات می نامند * مترجم

داده که وزیر خارجه برای مذاکرات مزبوره حاضر و راضیست پس در این کار به آراء و نصایح دیگران اعتنا نکرده و از دخالت اشخاص غیر مسئول برهیز و اجتناب نماید *
سواد صحیح (مطابق با اصلی)

این تلگراف را بوزیر مزبور ارائه نموده و دستور عملهای مشارالیه را عمل نموده و نتیجه اقدامات خود تان را مختصراً (رمزاً) اطلاع دهید *

نمره ۹۸۲۶ « حسینقلی »

نتیجه مذاکرات دوستانه نماینده دیپلماتی ایران مقیم واشنگتون با وزارت خارجه (اداره رسمی) امریکا این شد که مصنف این کتاب بوجوب قرارداد دولت ایران در مدت سه سال بسخت خزانه داری کل معین گردید که تشکیل و اتفیند جمع و خرج مالیه ایران را اداره نماید و نیز چهار نفر امریکائی دیگر مقرر شد که خزانه دار کل را در این امر سترک معاونت نمایند *

قبل از انعقاد این قرارداد هیچگاه خیال مسافرت بایران را هم نکرده بودم ولی نطق مؤثر فصیح و بیان گه از میرزا علیقلیخان شازردافر ایران مقیم واشنگتون همه نوهیات سابقه مرا رفع و بالاخره عازم شدم متأسراً که اظهار اطمینان قلبی و حسن عقیده ثابت نتوانیدم و مسلک ما کرده اند معاونت نموده و بکنه آنچه را که بنوام *

اول کاری که برای پیشرفت و تسهیل این مقصد کردم مطالعه کتاب پروفیسر پروین که در شرح انقلابات ایران نوشته است بود بلندی رأی و انصاف طبیبی پروفیسر مزبور برای آن اقدام و جنبش جدید مشروطه طلبان ایران عزمم را برآوردن به آن شاکت جرم نمود *

قبل از آنکه حرکت غایم از وزارت خارجه امریکا استیضاح و استفسار کردم که دولت امریکا با دولت ایران در این معامله چه نسبتی دارد و در این باب اخلاص واضح تحصیل نمودم جواب صریح داده شد که این حرکت شما بطرف ایران به هیچ قسم سمیت و عنوان رسمیت نداشته و بعنوان نمایندگی از طرف دولت امریکا به این خدمت مأمور و معین نشده اید پس از اداره مزبوره خواهش نمودم که مفاد مذاکره فوق را کتباً بنی بدهد جواب رسمیکه از طرف دولت بن داده شد در این جا ...

یاست و چهارم آوریه ۱۹۱۱ (بیست و سوم ارم ژانر ۱۳۲۹)
(M. W. Morgan Slester, Union Trust Building, Washington D. C.)
واشنگتون : D. C. (یونین ترست بیلدینگ) ستر دابور ۷۰ ویرکانت سواد

مکتوب چهاردهم ماه جاری شما که در باب تعیین واحزام پنجنفر مستشار امریکائی برای ترتیب و تنقیح امور مالیه ایران و استفسار از سمت و عنوان انتخاب خود بشغل خزانهداری کل سوال نموده بودید با اداره رسید در جواب شما اطلاع داده میشود که در دسامبر گذشته شازده دافتر ایرانست مقیم این شهر بر حسب اظهار و اسر دولت متبوعه خود از این اداره در خصوص معرفی اشخاص ماهر و زیرک امریکائی که در امور مالیه اطلاع تام داشته باشند معاونت خواست و اظهار نمود که دولت ایران تصویب نموده که پنجنفر مستشار امریکائی را در امور مالیه دخالت داده و شریک گرداند بر حسب اظهار فوق این اداره صورت اسامی اشخاصی را که حاوی اسم شما نیز بود نزد مشاور الیه فرستاده و ایام هم نموده که شازده دافتر ایران حقدارد در این امر مستقیماً با ایشان به بعین وجهی گفتگو نماید و اداره را از اطلاع از مکتوب شما و از مراسله سفارت خانه ایران مورخه هفدهم شهر حال کمال خوشوقتی و مسرت حاصل گردید که شما را بشغل خزانه داری کل در تحت وزارت مالیه انتخاب نموده اند *

از طرف مستر ناگس (M. Knox) رئیس اداره حادام مطیع شما هاتینان تمبولسن (Huntinton Wilson) معاون وزارت خارجه *

از محل موثق معتابیهی اطلاع حاصل کردم وقتیکه دولت روس ملتفت شد که ما بین وکلاء مجلس شواری ملی ایران مسئله انتخاب و جاب مستشاران مالیه از امریکا مطرح مذاکره شده و روز افزون میشود اولاً بنگ نظر و توجه رسمی عیبی در این معامله بظهران کرد اولین اقدامیکه از طرف مأمورین دولت روس بظهور نمود این بود که چند نفر از وکلای متعلق بد نام بی شرف پارلمان را اسواو تهریک نمودند که شاید بتوانند تصویب قرار داد و انتخاب امریکا را نسیج نمایند و فیکه دولت روس نتوانست باین سعی خود کامیاب و بدین آرزوی خود نائل و اکثریت آراء وکلای را از مسانک اولیه انحراف دهد معروف است که بوزارت خارجه امریکا اظهار و با زاکت تمام اشاره کرد که اعزام مستشاران مالیه از دولت امریکا بایران بکلی برخلاف عقل و مراسم مودت است در صورتیکه دولت امریکا تا آن زمان از آن اراده ایرانیان بی اطلاع صرف بود اداره دولتی مزبور یا کمال صداقت جواب داد که « از این معامله اطلاعی ندارد و هنوز در این باب اظهاری نموده اند هر وقت پیش نهاد نمودند تا عمل خواهد شد »

جددی بعد وقتی که دولت ایران با اداره رسمی امریکا اظهار نموده و خواهش کرد که در

تعمین و اعزام پنج نفر مستشار مالیه با ایشان معاونت نماید دولت امریکا از دولت انگلیس توضیح خواست که آیا دولت انگلیس هم در اعتراضاتی که سابقاً دولت روس در خصوص رفتن امریکاییها بایران نموده بود شرکت دارد ؟ انگلیسها جواب دادند که «سابقاً این مسئله محل توجه و ملاحظه دولت انگلیس بود ولی اکنون نیست» در این صورت دولت روس مجبور شد که چنانچه در ماموریت امریکاییها اعتراضی دارد با فلش و عیناً اظهار نماید و با ژنرال فرم و مؤدبانه در مذاکرات دیپلوماسی استعمال کرده و مانع از پیشرفت آن معامله نشود *

دوم فوریه ۱۹۱۱ (دوم صفر ۱۳۲۹) وکلاء مجلس یا اکثریت نامه و طیب خواطر شروط «مکنترات» (قرارداد) مارا تصویب نمودند با کمال وثوق و اطمینانیکه باظہارات دولتین داشتیم که بمقابل خودشان «اغراض و منافع مخصوصه» در ایران داشته اند بتصور اینکه هیچوجه مانعی در پیش نخواهد بود بسمت ایران حرکت نمودیم *

هشتم اپریل ۱۹۱۱ (هشتم ربیع الثانی ۱۳۲۹) بهر اصرار و استرشارل مکاسکی (M. Charles Mc Caskey) که از اهل نیویورک بود و مستر رالف هیلز (Hills) که از اهل واشنگتون و مستر بروس دیکی (M. Bruce Dickey) که اهل جزیره هائین بود از نیویورک سوار کشتی شده که زمام تشکیل و تجدید امور مالیه ایران و نظم آن را بدست بگیریم ماها «مستر مکاسکی و مستر هیلز و من با خانواده و اطفال و متعلقین» جمعاً شانزده نفر بودیم (در اینجا منافع شرحی از خدمات سابقه هر يك از مطوینش را ذکر نموده ولی چون بی اهمیت بود از ترجمه آن صرف نظر شد * مترجم)

من تمهید و قرارداد کرده بودم که ثلثت سه سال با اقتدار کلی و اختیارات تامه که از طرف دولت ایران در امور مالیه بن داده شده خدمت آن دولت را بسمت خزانهداری کل بنام و دوستان من مستر مکاسکی به سبب مجری مالیات ایالات و مستر هیلز بعنوان محاسبی کل و مستر دیکی بخدمت مامی ایلات مقرر و تا انقضای مدت سه سال در تحت نگرانی من بودند و مستر کرتز (M. Curtis) که رئیس گمرک ایلویلو (Heller) در جرایز مالیات این بود بریاست عوارض معین و حکم فرستاده شد که با سرعت و حاشا در طهران با ملحق شود مشارالیه معاون برویه خزانه دار کل هر بود اشخاصیکه بتواضع مذکوره مأمور و معین شده بودند هر يك در اینگونه امور ذخیرهای کامل کافی از تجربیات و

عملیات دارا و تخلصاً در آشکوب و ترتیب امور مالیّه* ممالکیکه هنوز بزیور (دیسایلین) (نظم جدید) مزین نشده مهارت تامی داشتند*:

ما از راه پارس و وینه عبور نموده و بیست و پنجم اپریل «بیست و پنجم ربیع الثانی ۱۳۲۹» بمسقطینیه وارد و مس سوار کشتی شده و سوم ماه با نوم روسیه رسیده روز دیگرش که چهارم ماه بود از خط راه آهن «تفلیس» بطرف پادکوبه حرکت و ششم ماه ساعت چهار عصر سوار کشتی «پاریاتنسکی» (Pariatinski) شده و حصه از بحر خزر را طی کرده روز بعد «هفتم جمادی الاولی ۱۳۲۹» ساعت نه صبح در انزلی که بندر «اول خاک» ایرانست برآه شدیم همینکه با ساحل گذارده و رسوم گمرکی بعمل آمد فوراً در کشتی «ذافع» وقایعهای بادی نشست و بعد با کالسکه بشهر رشت که حاکم نشین گیلان است رسیدیم (۱)* تا دو روز در رشت مهمان نائب الحکومه بودیم در این مدت توقف و سایل حمل و نقل اسبابهای خود و متعلقینان طهران که بفاصله دو بیست و بیست میلی طرف جنوب رشت وانفصت آماده شد این قسمت از مسافر تمان در کالسکهای چهار اسبه و زین که بطرز قدیم و کرایه انتظار بود خاتمه یافت در هر «اسناسیون» (مهمانخانه) که تقریباً ده دوازده میل با دیگری فاصله دارد اسبها را تبدیل میکردند همه ساعت هشت و نیم صبح با همراهان در چهار کالسکه نشسته و از رشت حرکت نموده و اسبابهای و زین خود مان را هم در دو گداری بزرگ بی فترتیش فرستادیم با سفارش کردند که چون (فانیل) زن و بچه همراه دارید بهتر است که قدری آهسته تر قطع مسافت بنمائید روز دوازدهم ماه (دوازدهم جمادی الاولی ۱۳۲۹) ساعت دو بعد از ظهر بعد از سه میل مشقتبائیکه تقریباً و روی هم رفته دلخسب بودند به «اسناسیون» آخری که رسیده باهر است رسیدیم در آنجا احمال و اثقال و صندوقها را دیدیم که منتظر ما بوده و بواسطه باد و باران گرد و غبار و حرکت عنیف سه شبانه روزه گداریهای بی فترت اسبابها در حالت بدی بودند اگر دستور العینی که آخر وقت قبل از فرستادن اسبابها با رسید که همه اسبابها را باید در تله های ایرانی ببندیم و بدوزیم عمل نکرده بودیم یقیناً قبل از آنکه آنها را ثانیاً به بندیم همه بی مصرف شده بودند تقریباً چهار میل بدر و از قزوین طهران باقی مانده بود که مسافر شارل دابلو رسال

(۱) لایح کشتیهای کوچک آنتی میبانتد که در انزلی معروف بار کاس و اخوذ

از کبه بار کش فارسی است*:

(M. Charles W. Russell) وزیر مختار امریکارا با فامیلش و جمعی از کشیشان امریکائی و جماعتی از ایرانیان که منتظر ما بودند ملاقات و در کالسکههای شهری سوار شده فوراً بطرف پارک اتابک حرکت نمودیم پارک مزبور که برای اقامت ما عا معین شده بود جای بسیار با روح و خوش منظر و شبیه به اینیه سلطنتی بود این باغ و عمارت سابقاً منزل بیلافی « محل تفریح » رئیس الوزرا و بزرگترین و ثریر اوتیجعی بوده که باسم او موسوم گردیده و مشارالیه بامین السلطان ملقب بود که در سی و یکم اوت ۱۹۰۷ « یست و یکم رجب ۱۳۲۵ » او را گذشتند آن باغ و عمارت و اراضی که در جوار و متعلق به پارک میباشد تقریباً هشت « ایکر » (۱) و در قسمتی از طهران واقع شده که سفره و ارو پائینها در آن مسکونت دارند و اکنون ملک یک نفر تاجر زردشتی که بسیار متمول و وطن پرست و اسمش ارباب جمشید است می باشد مشارالیه بطلب خواطر عمارت و باغ مزبور را باصرف دولت داده بود که تا وقتی که ما در طهران بانیسیم محل اقامت و توقفمان باشد خود عمارت از سنگ سفید (رخ) و دو طبقه و مشتمل است بر سی اتاق که اکثر آنها وسیع و مرتفع میباشد در پارک مزبور اشیاء عجیبه و مبهلای نقیمه کیانی که از تمام اطراف عالم گرد آورده اندوخته شده است مخصوصاً چندین تخته قاپهای گرانهای کیاب در آن عمارت میباشد اطراف عمارت را یک باغ بزرگ با سکو و خوش منظری احاطه نموده و از هر طرف چشمه های مصنوعی و دریاچه ها تا ایران و نهرها جاری میباشد باغ مزبور محدود و محدود است بدیوار بلند فخری که از گل پخته (آجر) ساخته شده و در طهران منازل محکم شخصی را بهین قسم میسازند « یعرفت نمیتوانم فرادوس بکم آن حالت و کیفیتی را که در وقت ورود به پارک هنگام شام داشتیم بعد از سه شبانه روز ستوانی که در گرد و خاند و اذات سفر کرده و گاهی از شدت سردی هوای کوه البرز متألم و بعضی اوقات از حرارت صحراهای خشک در تعب و زحمت و خوابگاه ما در مهابذهای ین راه ناراحت و خوردنیهای ما هم معصر بود بجز هائیکه حمل و نقاش ممکن و بهیوات فراهم می آمد (حاضری) لذای ماحده کتیب و کرد آنود و بهرمان از تابش آسباب تعمیر کرده و از سعوات راه بگی عاجز و در مانده شده و بدین حالت بتاریخ شام طهران رسیدیم در حالیکه از دو طرف درختها سطله و جواعها از هر سمت در زیر درختان روی زمین هنوز مغرب شد و آهسته آهسته هوای مفرح برهت آنکجا حتمکی میوزید و در سکن

(۱) هر ایکر معادل چهار هزار و متضاد و جری و دو ذریع مربع است

هم جمعی از پیشقدمان همه بالباسهای یک طرز و یک رنگ هر یک بر سر شغل خود منظم ایستاده و منتظر ورود ما بودند از آن تغییر اوضاعیکه در آن شب ما مشاهده نمودیم ظهران به نظر ما مسکن بریان و نمونه بهشت جلوه نمود بعد از فراغت از شام چند ساعت بالای پشت بام سرسرا (میتابی) نشسته و از استماع نغمات خوش آهنگ بابلهای ایرانی محفوظ تسلیم *

قبل از آنکه بارهای سفرمانرا بگننائیم هر روز دسته دسته مردم از هر طبقه و هر صنف برای (وزیت) ملاقات ما می آمدند و تا دو ماه بعد روزه از صبح تا قسمت دیری از شب آن سلسله ملاقات جاری و هیچ تخفیفی در آن ملاقاتها مشاهده نشده و بیشتر اوقات ما در گفت و شنود یا مشرفه ملاقات کنندگان مصروف بود ولی بواسطه آن ملاقاتها ذخیره قیمتی از حالات و کیفیات مملکتی برای ما حاصل گشت بناگفتند که ایشان مردمان عزیز محترمی میباشدند و اگر موقع و وقت بانها داده نشود که راه های کار و خیالاتشان را اظهار بکنند که «حوایج دولت چیست و بجه طریق و نهج باید اقدام کرد که تجدید تشکیل و استحکام امور دولت حاصل شود» ایشان به نهایت درجه رنجیده و پیشرفت کار شاق خواهد شد *

در انزلی با شخص ابراف مکرم محترمی هر مزخان ملاقات کردیم مشارالیه را دولت ایران برای استقبال و راه غلغی و خبر دادن از ورود ما معین کرده بود هر مزخان کارت و نذیرت خود را که در آن تربیت و تعلیم یافته امریکا نوشته بود بنا داد انگلیسی هم حرف میزد و بسیار ساعی بود که وطنش ایران در دل ما اثر مقبولی نموده و در نظر ما بسندیده آید صحبت و آواز خوانیمای هر مزخان ما را از خستگی و کسالتی که از آن راه عارض میشد خلاص و اگر بواسطه مسافرت ساعات بی درمی در صحراهای گرد خیز بی گیاه آثار خستگی از چهره ما احساس مینمود کوه بعیدرا نشان داده و توجه ما را به قدرت و محاسن طبیعی و صنایع ایردی منعطف میگردانند که چگونه آن کوه خود را برای افاده مسافریین جلوه داده است اگر چه مشارالیه مسلمان کامل العفیده بود ولی اعتقاد واقعی نیز در مواقع احتیاج و لزوم بخواص نوشتیدنیها داشت و فراموش نمی نمود باد آوری به راهان در موقعیکه بمخاطرمی آورد که از جام سابی مدتی گذشته و همواره وقت را غنیمت میدانست قسمت عمده از راه باشعالم نوشتیدنیها گذشت وقتی که بطهران رسیدیم هر مزخان خیال میکرد که تجدید خدمات شخصی که بنا نمود این خواهد

شد که فوراً او را معاون سخاوت داری کن یا رئیس عایدات مالیّه خواهند کرد چندی پس از ورود که ملتفت شد اشتباه کرده و ما قادر براعات خیالات و آرزوهای او نیستیم ما بوس گردیده و ما بین ما متارکه واقع و هر يك بخیال خود متوجه شدیم *

روز دوم ورود با ستر رسل وزیر مختار امریکا و جمع دیگر که از آنجمله ممتاز المونه که در آن زمان وزیر مالیّه ایران بود ملاقات نمودیم مشارالیه مردی سافل و ذرک و سابقاً رئیس مجلس بوده و مثل سایر ایرانیان تربیت یافته و تحصیل نموده بود زبان فرانسه را بسیار سلیس حرف میزد و با صداقت تمام اظهار مساعدت و تأیید در پیشرفت کارهای ما کرده و اطمینان کلی میداد که همیشه اوقات برای شرکت و معاونت با ما در نظم و ترتیب امور مالیّه ایران حاضر و آماده است در این موقع ملتفت شدیم که جمع کثیری از ایرانیان با هوش و پشنگ مختلفه در امور شخصی ما ظاهراً بر سبیل استقلال و استمرار حاضر و همه آنها به انگلیسی یا فرانسه حرف میزدند بعضی از آنها تا چند هفته بر سر کار خود بودند و همواره در وقت ضرورت و اُروم برای تشریح مطالب و معاونت بطریق دیگر بر حاضر بودند با بخیال که خودشان را در انتظار کسانی که امید و انتظار اصلاح امور مملکت از ایشان داشته کار آمد و کار دان جلوه دهند *

بر حسب تئانی که سابقاً بین وزیر مالیّه و محترم السلطنه وزیر خارجه شده بود شانزدهم مه (شانزدهم جمادی الاولی ۱۳۲۹) به همراهی ستر رسل وزیر مختار برای ملاقات وزیر خارجه بوزارت خارجه رفته این اولین موقع رسمی بود که رسماً (بر حسب معمول) جای صرف شد و تئیکه در خیابانهای شهر سواره و در ایبه و عمارات سلطنتی براده عبور مینمودیم ملتفت شدیم که مردم از دیدن ما که برای اصلاح چه امر بزرگی آمده بودیم متحیر می شدند تا حال هم معلوم نشد که کلمه امریکائی حد اثری داشت و امریکائیان چه کرده بودند که باین درجه جوشش و هيجان از مات ایران دید می تداعی روز در اداره تشریفات خدمت والا حضرت ناصر الملک نائب السلطنه رسیده و ایشان و ما معرفی شدیم من والا حضرت را شخص بسیار حایقی مهربان با هوش و ذکاوتی زانیه و اقتدار کلی در زبان انگلیسی داشتند ناصر الملک یکی از تربیت یافتهگان و تحصیل کردهای «اکسفر» و هم کلاس با سر ادوارد گوی وزیر امور خارجه حایبه انگلستان بوده است تا ده پانزده دقیقه با ایشان صحبت و گه گوی کرده و در ضمن سر این امر متوجه گردیدند (من گفتند) که « هر وصف فراغتی داشته باشید میتوانید بدون مراعات و تصور

همچگونه تکلیفی بیش من آمده و در پیشرفت کارهای خود تان با من مذاکره و صورت بباید» *

همان روز با شخصی مرتفی سلم که از عزیزترین و بهترین دوستان صدفانته بود که امریکاییها در مدت توقفشان در ایران پیدا کرده بودند شخص مزبور ارباب کبکچر و تاجر محترم زر دشتی بود که در خارجه تحصیل کرده و بایران مراجعت نموده بود ارباب کبکچر و با مانیان ممدت نمده و از زودشیمان ایران در دوره دوم مجلس بسمت وکالت منتخب شده بود ارباب مزبور نمایندۀ زودشیمان طهران و تاجری ملانک و جذاب القلوب و محبوب عامه بوده و مهارت تامی در زبان انگلیسی داشت از آن تاریخ به بعد در مواقع اشجان و معارنک خطرناک هیچ نزلتی در رأی راسخ و جرات نایش راه نیافت از لول و وله که او ملاقات کردم وعده کرد که هر قدر بتواند مرا معاونت نماید از آن روز تا وقتیکه از ایران خارج شدیم هیچ وقت از اوقات شبانه روزی از پیشرفت مقاصد و اصلاحات امور ما کوناهی نه نموده و همیشه برای حمایت ما مورین مالیه امریکائی مسعده و در مساعدت با ما از هر گونه حملات دفاع می نمود *

روز دیگر بمراهی وزیر مختار امریکا برای ملاقات شخص مختاری یعنی حضرت بهدار اعظم که آمرانست بر مسند جنابل ریاست الوزرائی متمکن و زمام حلی و عقد امور وزارت جنگ را نیز در دست داشت رفیقیم ممتاز الدوله وزیر مالیه و امیر اعظم معاون وزارت جنگ نیز هر دو در آنجا حاضر بودند کسانیکه قسمت مقدمه این کار را خوانند بنامند در خوامتر خواهند دانست که بهدار اعظم که همیشه بزرگترین سردار لشکر است اندام بزرگ غایبی در حرکت و جیش تانوی ملی (رولسبون) ایرانیان نموده و در تقصیر طهران و خلع شاه در ماه زویه ۱۹۰۹ (یست و چهارم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) با وجود مسعده ملی شریک و با مدت قلیلی قبل از آن مسعده را حلی شده و یکی از اعظم رؤسای مسعده بشمار و در دوره االت ایران املاک معبر و دارای صد هادهاست بود مسعده سردی بنامه الا و قدری لاسر و اولک اندام با احتیاج میباید (بخی غیر کبود) و کورحت و خمرین بنصت رمیده و علامت ببری از موهای سر و سایش نمودار و حرکاتش بنیه برجای عقبای و خواسته کرس در اجعال و اطوارتی ضعف و نکس راه زانم بود از هیاهو و جیش بزرگترین و زیر کترین سارتهها تا آثار حاجت و سرداری بیشتر ظاهر میبکنت آن شخص یکی از سرداران معروف ایران بود که با انگلیسی میخوانست

تکلم نماید و نه بفرانسه ولی معاونش که مرد بسیار شجیم و لعجم عفریت همگلی بود فرانسه را خوب میدانست و مترجم ما گشت علت اینکه من از این شخص محترم یعنی معاون مهندس ارانظم باین احتیاط معرفتی مینامم برای این است که حدی بود در زمان اقامت ما در ایران نفی کارها از او صادر گشت چهار روز دیگر هم بملاقات و دید و باز دید اعضاء ایرانی کابینه و وکلاء معروف صرف شد بر حسب خواهش مدیران محترم جرائد ایرانی که در طهران بودند با ایشان ملاقات و در بین گفتگو نقشه اصلاحاتی را که در نظر داشته و بانجام و اختتام آن امرید وار بودم با ایشان ارائه نمودم سپس در حمایت مستقیمه مساعده روز نجات هم چه روز نامه هائیکه در خود طهران و جاه دیگر در سایر ولایات طبع و توزیع می شد واقع شدیم یکی از آثار بی تجربگی عموم طبقات ایرانیان در امور سیاسی اتغال و تأثر مضعک آنها از تنقید روز نامه میباشد از نایب السلطنه گرفته تا ادنی مأمور دولتی همواره در این خوف و بیم بودند که مبادا روز نجات بافعال ایشان تکه چینی نموده و ایشانرا در انظار عوام خفیف و تمسخر نمایند با اینکه بموجب قانون مشروطیت آزادی کلی بجرائد و مطبوعات داده شده بود بسیار اتفاق می افتاد که اگر اوقات وزیر داخله یا جند چربده طهرانرا بواسطه اینکه از امور و متاسد دولتی تنقید می نمودند توفیق ولی چیزی نگذشت که مدیران دایر و ما بریم بانواع مستمسکها اجازه اشاعه روز نامه خود را گرفته و باز جرائد را جاری می نمودند روز نامهائی که در آن زمان در طهران معتبر و محض اعتبار بود یکی روز نامه «استقلال» بود که زبان و حامی باوقی استبدانی مجلس بود و دیگر روز نامه «ایران نو» که طرفدار حزب دینو کرات بود ولی روز نامه دومی بهتر و زیاده کترین روز نامه بود که در ایران انتشار می یافت این جریده خدمات حالص و مفید بأمورین مایه از روز ورودشان نمود :

بیست و دوم مه (بیست و دوم جمادی الاولی ۱۳۲۹) رئیس نشریات وزارت خارجه ما را بداره حیات مؤلفی که در دربار برای ما مرتب نموده بودند راه نمائی کرد در آنجا معاون وزیر مایه و بعضی اعضاء سایر ادارات با ما معرفتی و مقدار زیادی حای و سیگارت صرف شد هر یکی از صاحبمنصبان خواهشی داشتند که تا مدت مدیدی با ما مساعده ملاقات دوستانه جاری دانسته باشند بدین عرضی که تشکیل انظم ادارات را بعتیده خود با حسن و جود برای ما شرح و هم انظم را اطلاع و معرفت نموده و توضیح دهند که چگونه ضروریات موقع و وقت را فهمیده و نهایت شده و چگونه دولت در راه نمودن

پول که برای گردانیدن ماشین آلات و ادارات مانند روعی است برای خود و سایر مستخدمین ادارات مسافری شده است. ممتازالدوله وزیر مالیه بعد ازین مملکت به ما معاونت نموده و تا درجهٔ در شروع بکار مستقل شده بودیم که بیست و سوم مه (بیست و سوم جمادی الاولی ۱۳۲۹) یعنی یازده روز پس از ورودمان بهرمان کابینه شروع و مشار الیه مستعفی گشت چندی بعد معلوم شد که سهدار رئیس الوزرا و وزیر جنگ احساس کرده بود که وزیر مالیه در امضاء چک و بروات دولتی به آن اندازه که ایشان موقوف و لایق شان وزیری میدانستند اختیار و تجریر وائی نداشت *

اگرچه این تبدیل کابینه که در ابتداء شروع بکار واقع شد فدری خیالات ما را درهم و بریشان کرد ولی بعد ها با نطبع به آن امور عادیه مملکتی معناد شدم * یکی از صاحب منصبان اداره مالیه که با معرفی شد مسیو لکفر (M. Lucifero) بود مشارالیه فرانسوی نواد و تبعه انگلیس ولی عادات و جنبه فرانسویت در او غالب و مدت مدیدی در ایران اقامت داشته و در اداره مالیه بشکل میزبانی مشغول بود و قتی که همه اعضاء اداره رفتند مسیو لکفر نشسته و بن نگاه کرد و گفت «مستر شومتراا خیلی خوبت شدم که شما بایران آمدید زیرا که من و شما میتوانیم با هم مالیه این قوم را که در حالت بدی است نصیبه و اصلاح کنیم » من از خیالات اطمنان بخش مشار الیه اظهار تشکر نمودم *

مستر هیلز بواسطه ناخوشی سخت دختر کوچکش در قسطنطنیه از ما عقب مانده بود بیست و پنجم مه (بیست و پنجم جمادی الاولی ۱۳۲۹) با فامیاش وارد شد ولی بدبختانه بجزد و ورود طفل دیگرش مریض شده و تا چهار از خدمت خود مستعفی گشت دوام ژون (چهارم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) مشارالیه خیران و همراهان را در حالت تاسف گذارده و بجانب امریکا رهسار گشت هنگام ورود بهارک اتاوتک بانزده یا بیست نفر نوکران ایرانی زرناک کاردان را دیدیم که شخص ایرانی محترمی که میهماندار موفقی بود برای خدمات شخص ما معین کرده تا اینکه خود مان امور شخصی خود را منظم بکنیم بعد از دو روز که امور خانه را مرتب نمودیم نوکرهای مزبور را برای انجام امور معین کردیم زیرا که ایشان با سفارت نامه ای معتبر نزد ما آمده بودند بعد از چند هفته کم کم شهرت یافت که ایرانیان امریکاییها را بهائی بداند و میگویند که ایشان برای تنظیم امور مالیه بایران نیامده بلکه

برای ترویج و اشاعه مذهب بهائیت آمده اند (۱) * آخر کار وزیر مالیه در اعتراف نوحه ما به آن مسئله مبالغه کرده و گفت «بهر آنست که شما نوکر های موجوده خود تا از تبدیل نمائید زیرا که همه ایشان متهم به بایگری (بهائیت) می باشند» من از آن اظهار خبلی تعجب نمودم چرا که آن خبر برای ما بسیار تازه و غرابت داشت و هیچ وقت باین خیال طاقت نشده بودم که باید نوکر های شخصی خود را امتحان عقیده و مذهب بکنم خصوصاً که این حرکت برخلاف اصول و سبک مستخدمین کشوری (ارباب قلم) امر بکاست بود زیرا مالیه گفتیم که «امریکائیها با بی نیستند ولی من خوش ندارم که دولت و ملت ایران در عقاید مذهبی و نوکران و رتبه دستمال گردن ما تصرف و مداخله بکنند و اگر دولت ایران اقدامات مهمتری برای اصلاحات مملکتی فکر نکرده بهتر است که فکر بکند» این آخر دفعه بود که رسماً در آن باب مذاکره شد ولی این قضیه بواسطه سعایت استعماری که در صدد اغلال کارهای ما بودند روز بروز بجهت شهرت و شجوع می یافت و در حد روز نامه هم تصویر های مضحک «کالیپکا توری» ما را کشیده ولی چون اعمالی به آن عوالم نه نموده و بکار خود مشغول بودیم حوام بزودی آن قصه را فراموش کردند * در خلال آنحال از عیشا آن (آنتریک) سازت پانیکه در تخریب امور ما شده بود مطلع شدم تقریباً هر کس که با ما ملاقات می نموده در يك موقع از مذاکره کلمه «آنتریک» را استعمال میکرد مثلاً میگفتند «کالیبه بر ضد ما آنتریک میکند» یا «صاحب منصبان باجیکی گدگ بر ضد امریکائیها آنتریک میکنند» یا اینکه میگفتند «مستر دوستر! این موقع بواسطه آثار بکها خیلی دقیق و خطرناک است» یا «ایران سرزمین آنتریک و ملت (تهدت) است» من برای حفظ شئون خود مجبور شدم که بهر يك این قسم جواب بگویم که «امریکائیها در آنتریک خیلی خوب نشو و نما کرده و زبردست تر و حالا کمتر میمانند هر وقت آنتریک روی کار بیاید خیلی حوشحال خواهند شد» اولین آنتریک و سازشبه که احساس نمودم ساخته و پرداخته شده و در باره (M. Mornard) بود که اول مستخدم باجیکی گدگ بود - رئیس کل کشور است - در آن گردید این شخص در اداره گمرگی وطن سرود بخدمت سرریسی مقرر بود و -

(۱) بهائیان متدین مذهبی میدانند که مسلمانان از ایشال شمار عرب را در میان این

مسلمانان تعصب ایشان را رجز وقت و سودمند و در آنها سردمان قایل و اولی دعوت یافت میشود *